



## فهرست مطالب

|    |   |
|----|---|
| ۲  | زنده باد اعتصابات سراسری کارگران نفت!.....  |
| ۴  | تحریم عمومی «انتخابات» ریاست جمهوری و سیلی محکم به گوش جمهوری اسلامی.....                 |
| ۶  | مرغی، که انجیر میخوره، نوکش کجه!.....   |
| ۸  | «انتخاباتی» ضددموکراتیک و رویکردهای داخلی و خارجی به آن.....                              |
| ۹  | مناظره سوم و پایان یک نمایش مسخره.....  |
| ۹  | سیاست یکدست کردن سه قوه.....  |
| ۱۰ | چهل سال از تیرباران قهرمانان توفانی گذشت.....   |
| ۱۱ | از اعتصابات گسترده سراسری کارگران شرکت نفت حمایت می کنیم.....                             |
| ۱۲ | اعلام حمایت فدراسیون بین‌المللی پتروشیمی اینداستریال از کارگران اعتصابی نفت در ایران..... |
| ۱۳ | اگر یک کارگر پیمانی در پتروشیمی عسلویه یا ماهشهر باشید!.....                              |
| ۱۴ | «پروتکل الحاقی» یعنی چه، مضمون‌اش کدام است؟.....  |
| ۱۵ | چند یادداشت کوتاه سیاسی.....  |
| ۱۷ | جنگ علیه مردم فلسطین را محکوم می کنیم!.....   |
| ۱۸ | بایکوت اسرائیل توسط کارگران - پیپلز دیس پیج.....  |
| ۲۰ | برای سیاوش کوچک.....  |
| ۲۱ | نگاهی کوتاه به سیاست‌های خارجی چین و امپریالیسم آمریکا.....                               |
| ۲۲ | در جبهه نبرد طبقاتی.....  |
| ۳۰ | ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....  |
| ۳۱ | گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....   |
| ۳۳ | پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....   |



## زنده باد اعتصابات سراسری کارگران نفت!

خواسته کارگران از افزایش دستمزد و سقف دستمزدها، تا کوتاه کردن دست پیمانکاران و لغو قوانین تمام قوانین ضد کارگری، از ایمنی محیط کار، تجهیزات و امکانات تهویه و سرمایشی و گرمایشی تا بالابردن استاندارد بهداشتی و خوابگاه‌ها و حق تشکل و تجمع، مطالبه جمعی این اعتصابات است. در حال حاضر بسیاری از کارگران پیمانی ۲۴ روز در ماه کار می‌کنند و شش روز مرخصی دارند، که در بعضی از شرکت‌ها روزهای تعطیل کم‌تر هم است. خواسته کارگران افزایش تعطیلی به ۱۰ روز در ماه است.

اکنون کارگران پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها، نیروگاه‌ها و سکویهای نفتی یکی پس از دیگری و در همبستگی با هم دست از کار می‌کشند تا به خواسته‌های خود دست یابند. کارگران شرکت‌های زیر از شرکت‌های تابعه پارس جنوبی، در میدان گازی پارس جنوبی دست به اعتصاب زده‌اند:

- « کارگران شرکت پتروشیمی «عمران صنعت» میدان گازی پارس جنوبی
- « کارگران شرکت پتروشیمی «صدف»
- « کارگران شرکت پتروشیمی «جهان پارس»
- « کارگران شرکت پایندان
- « کارگران شرکت ساتراپ صنعت
- « کارگران شرکت سینا پالایش قشم
- « کارگران شرکت لیدوما

کارگران پالایشگاه‌ها و شرکت‌های دیگری، که آنها نیز دست از کار کشیده‌اند و به اعتصابات سراسری پیوسته‌اند:

- « کارگران اورهال پالایشگاه نفت تهران
- « کارگران پالایشگاه آدیش جنوبی
- « کارگران شرکت ماشین‌سازی اراک
- « کارگران پالایشگاه تندگویان
- « کارگران پتروشیمی دنا
- « کارگران شرکت جهان پارس
- « کارگران پالایشگاه بیدبلند بهبهان
- « کارگران فاز ۱۳ (فاز اختر) پارس جنوبی

اعتصاب کارگران صنایع نفت و پتروشیمی ایران از آغاز هفته گسترش بیش‌تری یافته و دامنه آن به شهرهای دیگر هم کشیده شده است. همزمان عزم و اراده کارگران در وحدت و همبستگی با ۷۰۰ کارگر پیمانی، که در پالایشگاه نفت تهران بعد از اعتصاب اخراج شده‌اند، بیش‌تر از هر زمان شده است. فیلم‌های منتشر شده در صفحات مجازی نشان می‌دهد که کارگران معترض پالایشگاه نفت تهران، که روز سه‌شنبه اول تیرماه به همکاران اعتصاب‌کننده خود پیوسته بودند، در همان روز برگه «تسویه حساب» دریافت کرده‌اند.

با این حال روز چهارشنبه دوم خرداد، بر میزان اعتصاب‌ها افزوده شده و گزارش شده که کارگران پروژه‌های پتروشیمی دماوند، کارگران شرکت تهران جنوب در بندر ماهشهر، کارگران پیمانی پالایشگاه آبادان، کارگران عسلویه، کارگران شرکت رازان در پالایشگاه آدیش، کارگران کیهان پارس در اصفهان هم به اعتصاب سراسری کارگران به نام «کمپین ۱۴۰۰» پیوسته‌اند.

اعتصابات کنونی در این ابعاد گسترده ادامه اعتصابات صنایع نفت و پتروشیمی در تابستان سال گذشته است. آغاز دوباره اعتصابات سراسری کارگران نفت ایران نویدبخش است و تأثیرات به‌سزایی بر کل جامعه خواهد گذاشت.

در روزهای گذشته، علاوه بر کارگران پیمانی و پروژه‌ای که قراردادهایشان با شرکت‌های پیمانکار است، هزاران کارگر رسمی شرکت ملی نفت ایران هم اعتصاب کرده بودند. برای مثال اواخر خردادماه کارکنان شرکت پایانه‌های نفتی ایران مانع سوخت‌گیری یک نفت‌کش در جزیره خارک شدند. «میثم المهدی»، فعال کارگری و کارگر فولاد اهواز، در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس گفت که: اطلاعیه کارگران رسمی در حمایت از کارگران پیمانی به گفته او «اتفاقی جدید» است که می‌تواند به مطالبات کارگری شکل گسترده‌تری بدهد.

حقوق‌ها باید هر ماه به موقع پرداخت شود.

ما به کار موقت و پیمانی اعتراض داریم و خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران و داشتن امنیت شغلی و دائمی شدن قراردادهای کاری‌مان هستیم. اخراج کارگر ممنوع!

قوانین برده‌وار مناطق ویژه اقتصادی، که حصار بی‌ما و بخش‌های دیگر کارگری در سطح جامعه است و بر اساس آن کارفرمایان مفت‌خور دست‌شان برای هرگونه تعرضی به زندگی و معیشت ما بازگذاشته شده است، باید فوراً لغو شوند.

ما خواستار ایمن شدن محیط کارمان هستیم. محیط‌های کار ما مثل یک بمب انفجاری است و حریق‌های مهیب، سقوط از ارتفاع، آلودگی‌های صوتی در اثر انفجار مواد نفتی، استنشام مواد سمی و شیمیایی در کنار غیراستاندارد بودن وضع بهداشت و درمانگاه‌ها، دارد هر روز از ما قربانی می‌گیرد و سبب صدمات جانی و روحی بسیاری به کارگران شده است. کار در گرمای طاقت‌فرسای تابستانی و نبود تجهیزات لازم سرمایه‌ی و دستگاه‌های تهویه هوای استاندارد فشار کار را صدچندان کرده است. صنعت نفت یک بخش بزرگ سودآور جامعه است. باید مراکز کاری ما امن باشند و بالاترین استانداردهای محیط‌زیستی مجهز باشند. باید در صنعت نفت بودجه کافی برای امن شدن محیط‌های کار و تجهیز مراکز کاری به امکانات سرمایه‌ی و گرمایشی مورد نیاز و دستگاه‌های تهویه هوا به میزان مورد نیاز، بالا بردن استاندارد بهداشتی در خوابگاه‌ها و اماکن عمومی چون دستشویی‌ها و حمام و ... اختصاص داده شود.

ما کارگران نفت از امنیتی بودن محیط‌های کارمان به ستوه آمده ایم و باید به این وضعیت خاتمه داده شود. تشکل و تجمع و اعتراض حق مسلم ماست.

در خاتمه حمایت قاطع خود را از همکاران رسمی‌مان در نفت، که اعلام کرده‌اند: چنانچه به خواسته‌هایشان جواب داده نشود، در نهم تیر دست به اعتراض خواهند زد و فراخوانشان به تجمع در آن روز است، اعلام می‌کنیم.

خواسته‌های برشمرده ما خواسته‌های همه کارگران نفت از جمله همکاران رسمی ما نیز هست. بعلاوه این همکاران به نحوه افزایشات مزدی سال ۱۴۰۰، که در واقع تعرضی به زندگی و معیشت‌شان است، تحمیل مالیات‌های سنگین بر حقوق‌هایشان و عدم اجرایی شدن ماده ده و در نتیجه آن حذف برخی از آیتم‌های مزدی‌شان اعتراض دارند. محور اعتراض همکاران رسمی، همچون ما کارگران پیمانی، موضوع دستمزد و عدم کفاف آن برای مخارج زیستی و معیشتی‌مان است و افزایش سرسام‌آور قیمت اجناس و یک قلم بزرگ آن مسکن و محرومیت از بیمه‌های پایه‌ای چون درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن فشار زندگی را برای ما و همه مردم در جامعه دشوار و مشقت‌بار کرده است. ما خواهان تحقق

« کارگران فاز ۱۳ کنگان

« کارگران پالایشگاه بیدخون

« کارگران پروژه‌ای شرکت ای‌جی‌سی پالایشگاه آبادان

« کارگران پیمان کاری حاجی پور

« کارگران شرکت مخازن نفت قشم

« کارگران پتروشیمی بوشهر

« کارگران پتروشیمی گچساران

« کارگران شرکت اکسیر صنعت

« کارگران شرکت ریتون

« کارگران عملیات دریایی شرکت پایانه‌های نفتی ایران، خارک

کارگران پیمانی نفت در پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها با انتشار بیانیه‌ای مورخ ۳۰ خرداد ۱۴۰۰ در مورد علل اعتصاب و مطالبات‌شان چنین نوشته‌اند:

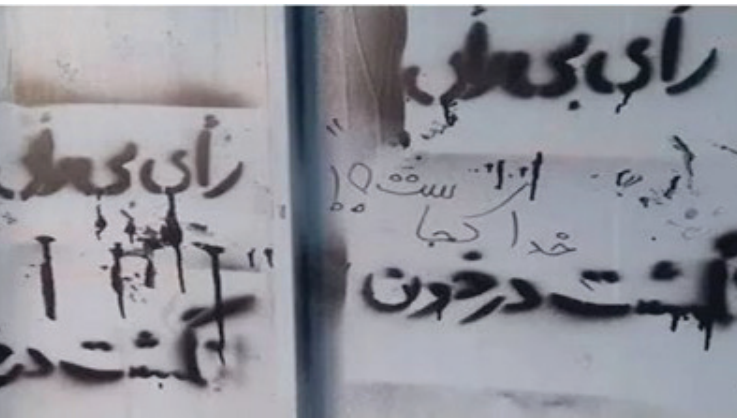
«ما کارگران پیمانی نفت در پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و کاهش هر روزه قدرت خرید خود و عدم اجرای وعده‌های داده شده، همانطور که اعلام کرده بودیم، اعتصابات گسترده و سراسری خود را از سر می‌گیریم و با تجمع در مقابل مراکز کاری‌مان پیگیر مطالبات خود می‌شویم. در همین راستا روز ۲۹ خرداد همکاران پروژه‌ای ما در شرکت فراب نیروگاه بیدخون با مطالبه‌ی افزایش دستمزدها و خواست ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی، که اصطلاحاً طرح بیست ده نامیده می‌شود، دست به اعتصاب زده و به صورت جمعی نیروگاه را به قصد خانه‌های خود ترک نمودند. این کارگران اعلام کرده‌اند که تا زمانی که به خواسته‌های آنان پاسخ داده نشود، به نیروگاه باز نخواهند گشت.»

کارگران پیمانی می‌نویسند: «اعتصاب ما یک اعتصاب اختطاری است و یک هفته در جریان خواهد بود و در روز نهم تیر به صف همکاران رسمی خود، که اعلام اعتراض کرده‌اند، خواهیم پیوست. ما در این یک هفته‌ی اعتراض‌مان با جمع شدن در محل‌های کار خود تلاش می‌کنیم که تصمیم‌گیری جمعی بکنیم و صدای خود را به گوش همکاران کارگرم‌مان در همه جا برسانیم.»

کارگران پیمانی در این بیانیه خواسته‌های خود را به قرار زیر به روشنی چنین بیان کرده‌اند:

حقوق هیچ کارگر شاغل در نفت نباید کم‌تر از ۱۲ میلیون باشد و باید فوراً سطح دستمزدها افزایش یابد و به نسبتی، که قیمت اجناس افزایش می‌یابد، سطح مزد کارگران نیز بالا رود. به علاوه سایر سطوح مزدی کارگران باید بر اساس توافق با نمایندگان منتخب کارگران صورت گیرد.

تعویق پرداخت دستمزدها جرم و یک دزدی آشکار است.



## تحریم عمومی «انتخابات» ریاست جمهوری و سیلی محکم به گوش جمهوری اسلامی

یکم، همان طور که قابل پیش‌بینی بود، پائین‌ترین میزان نرخ مشارکت در چند دهه اخیر رقم خورد. عدم شرکت گسترده مردم در این نمایش نتیجه سال‌ها حذف و سرکوب، نقض حقوق مردم و خواست‌های دموکراتیک، اجرای سیاست‌های نتولیبرالی، فقر و شکاف طبقاتی است، که جامعه را به پرتگاه سقوط سوق داده است. به جلو پرتاب کردن عنصری منفور و معتمد رهبر، مانند «ابراهیم رئیسی»، که سابقه و تحصیلاتی جز قتل عام و آدم‌کشی ندارد، از سر ضعف و استیصال رژیم است که راه نجات نظام از این بن‌بست و خروج از بحران فعلی را چنین صلاح دانسته است.

**دوم**، میزان مشارکت نهایی در «انتخابات» از سوی وزیر کشور ۴۸٫۸ درصد اعلام شد.

وزیر کشور جمهوری اسلامی، «رحمانی فضل‌ی» شمار کل واجدین شرایط را ۵۹ میلیون و ۳۱۰ هزار و ۳۰۷ نفر اعلام کرد. با چشم پوشی از هرگونه رأی‌سازی و دستکاری در آمار، نتیجه نهایی آمار رسمی چنین است:

- « تحریم کنندگان: ۳۰ میلیون و ۳۷۷ هزار و ۳۰۳ نفر
- « ابراهیم رئیسی: ۱۷ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۳۴۵ نفر
- « آرای باطله: ۳ میلیون و ۷۲۸ هزار و ۸۷۰ نفر
- « محسن رضایی: ۳ میلیون و ۴۱۲ هزار و ۷۱۲ نفر
- « عبدالناصر همتی: ۲ میلیون و ۴۲۷ هزار و ۲۰۱ نفر
- « امیرحسین قاضی زاده هاشمی: ۹۹۹ هزار و ۷۱۸ نفر

وزیر کشور میزان مشارکت در انتخابات را ۴۸٫۸ درصد اعلام کرد اگر از همه تقلبات جمهوری اسلامی، که ید طولانی در این کار دارد و مهندسی «انتخابات»، که از مدت‌ها قبل طرح‌ریزی شده بود، بگذریم و آمار اعلام‌شده را واقعی به‌پنداریم، نتایج زیر

این حقوق پایه‌ای و برخورداری از درمان و تحصیل رایگان برای همه مردم هستیم. زندگی شایسته انسان حق همه ما مردم است».

کارگران رزمنده ایران، که به طور کلی مبارزات تاریخی گران‌قدر و همپای آن تجارب تشکیلاتی و سندیکائی فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند، برای نیل به مطالبات و آرمان‌های خود طی نسل‌های گذشته متشکل و متحدانه مبارزه کرده و در این راه قربانیان بی‌شماری را در راه آمل و اهداف خود به جای گذارده‌اند. کارگران شرکت نفت در سال ۱۳۵۷ با بستن لوله‌های نفت یک نقش تاریخی را در ایران رقم زدند و شعار «کارگر نفت ما، رهبر سر سخت ما» به حق به یک شعار عمومی بدل گردید. کارگران صنعت نفت بودند که در انقلاب میلیونی و عظیم بهمن ۵۷ با اعتصاب درخشان خود کمر رژیم منفور پهلوی را شکستند و در براندازی او نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمودند. امروز هراس رژیم سرمایه‌داری اسلامی از کارگران ایران بی‌دلیل نیست. او از اعتصاب سراسری و یگانگی کارگران نفت بیش از هر اعتصاب دیگری وحشت دارد و از همین‌رو برای بقای منحوس‌اش دست به هر دسیسه و هر سرکوب و توطئه‌ای می‌زند. اما اعتصابات سراسری اخیر نشان دادند که رمز پیروزی کارگران ایران و همه زحمتکشان اتحاد و همبستگی سراسری و مبارزه‌ای متحد است و تنها از این طریق است که می‌توان سرانجام به پیروزی رسید.

حزب کار ایران (توفان) ضمن محکوم کردن اخراج ۷۰۰ تن از کارگران پیمانی از تمام مطالبات کارگران رسمی و غیررسمی از جمله افزایش دستمزد و سقف دستمزدها، لغو قوانین تمام قوانین ضد کارگری، از ایمنی محیط کار، تجهیزات و امکانات تهویه و سرمایشی و گرمایشی تا بالابردن استاندارد بهداشتی و خوابگاه‌ها و حق تشکل و تجمع، لغو قرارداد پیمانی و افزایش مرخصی به ۱۰ روز در ماه دفاع می‌کند. از حق تشکل اتحادیه مستقل کارگری و هر تشکل صنفی و دمکراتیک قاطعانه دفاع می‌کند و برای تحقق آن از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

اما همانطور که بارها تأکید کرده‌ایم رمز پیروزی نهایی کارگران ایران داشتن تئوری انقلابی و تشکیلات است و بدون تئوری انقلابی، نهضت انقلابی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد. نقش مبارز پیشرو را تنها حزبی می‌تواند ایفاء کند، که دارای تئوری پیشرو باشد. براساس این تجارب باید بی‌وقفه ترویج و تبلیغ کرد که طبقه کارگر به وحدت و تشکیلات نیاز دارد، تا بتواند اعتراضات را رهبری کند. حزب کار ایران (توفان) این وظیفه تاریخی را در دستور کار خویش قرار داده است و با تمام قوا در جهت تحقق آن می‌کوشد.

زنده باد اعتصابات سراسری کارگران نفت!

زنده باد تشکیلات و حزبیت! •

به دست می‌آید:

**۴۸،۸** درصد از واجدین شرایط رأی داده‌اند؛

**۶،۳** درصد آرای سفید یا باطله، که باید آن را رأی اجباری نامید

یعنی **۵۵ درصد** رأی‌دهندگان به جمهوری اسلامی «نه» گفته‌اند

سهم «اصلاح‌طلبان» از این نمایش انتخابات فقط چیزی حدود **۴** درصد بوده است.

«محمدباقر قالیباف»، رئیس مجلس اسلامی، «روحانی» و «ظریف» و همه صاحبان قدرت و مخلصان مفلس نظام جمهوری اسلامی این پیروزی را به «منتخب مردم» تبریک گفتند. حالا «رهبر جمهوری اسلامی» با یک‌دست کردن سه قوه احساس رضایت می‌کند، اما اکثریت قاطع کارگران و زحمتکشان و اقشار فرودست جامعه ناراضی از وضعیت موجود ناظر بر عروج عنصری منفور از «هیأت مرگ» به «هیأت دولت» هستند، هیأتی، که معتمد رهبر است و خود را برای رویارویی با طغیان‌های آینده آماده می‌کند.

**سوم**، به هر حال نتایج کوبنده تحریم انتخابات چنان عیان است که جانی برای انکار نگذاشت و همه دستگاه‌ها و اتاق‌های فکری را به واکنش واداشت، تا نتایج و علل کاهش مشارکت مردم را به نوعی توجیه کنند.

نظام سرمایه‌داری اسلامی ایران مردم را سرکوب می‌کند، معیشت آنان را می‌برد، توده‌ها را به روز سیاه می‌نشاند، آنان را به ورطه نابودی می‌کشاند و «مقام معظم رهبری» بی‌شرمانه اصرار می‌ورزند «بر اینکه مردم همه شرکت کنند و به یکی از این هفت نفر، که منظور «ابراهیم رئیسی» است، رأی دهند...» وی گفت: «حتی یک رأی هم اهمیت دارد». دلیل این دوگانگی در سخنان «خامنه‌ای» تنها می‌تواند نشان بی‌اعتباری و ورشکستگی نظام باشد. «رهبر انقلاب» فقط به مشارکت مردم توجه دارد؛ برای او این مسأله که «او کیست و من چه کسی هستم، در اینجا مطرح نیست؛ اشخاص مطرح نیستند. اصل حضور مردم» است. اصرار ورزیدن او به «مشارکت»، تأیید حذف خودی‌ها توسط شورای نگهبان، از طرفی دلجویی ریاکارانه از آنها، ترس و هراس رهبر را نشان می‌دهد از اینکه مردم، این عامل تثبیت و «قوام اسلام»، آنگونه، که او بارها تکرار کرده است، از نظام روی برگردانند. به همین دلیل شخص «مقام معظم رهبری» از هفته‌ها پیش از آغاز انتخابات ریاست جمهوری بارها به مناسبت‌هایی به مسأله «مشارکت در امر انتخابات» اشاره داشت و همانند دوره‌های گذشته در اهمیت شرکت و وسیع مردم در این دوره از انتخابات دلایلی اقامه کرد که نشان می‌داد نظام در نزد مردم بیش از پیش بی‌اعتبار گشته است. «خامنه‌ای» در هیچ دوره از ادوار گذشته از مخالفین خود به این صراحت تقاضا نکرده بود که علی‌رغم اختلاف با نظام در انتخابات شرکت کنند و حتا اعلام نمود رأی سفید حرام است! این یکی از نشانه‌های ورشکستگی و بی‌اعتباری نظام است. این اقدام رژیم، که مورد تأیید کل الیگارشی در قدرت است، اقدامی برای مقابله با بحران‌هایی است که صدای پایش مدت‌هاست به گوش می‌رسد.

این بحران‌ها فقط ناشی از اجرای سیاست‌های داخلی غارتگرانه نتولیرالیسم و خصوصی کردن اموال عمومی به نفع آقا‌زاده‌ها نیست، این بحران‌ها با تحریم و تهدید و خطر تجاوز بیگانگان به خاک و وطن ما تشدید می‌شود و تنها یک راه حل برای مقابله با این بحران‌ها و خطرات وجود دارد و آن تکیه به مردم، کسب اعتماد آنها از طریق به رسمیت شناختن حقوق آنهاست. رژیمی، که مانع از آن است مردم

حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند، از بهبود شرایط زندگی آنها سرباز می‌زند، دزدها و سارقان را بر جان و مال و ناموس مردم مسلط می‌کند و به آنها به عنوان مشتی گوسفند، که فاقد هرگونه حقوق انسانی هستند، می‌نگرد، قادر نیست اعتماد مردم، علاقه آنها را جلب کند و با یکپارچه کردن حاکمیت قادر نیست حتی از خود، چه برسد به ایران، رفع خطر کند، زیرا تنها بسیج مردم انقلابی است که می‌تواند کوه‌ها را از جا بکند و نه نمایشات انتخابات تقلبی و تبلیغاتی. رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی با این روش گور خود را می‌کند و خود را بیش تر به انزوا می‌کشاند و ایران را به خطر می‌اندازد و برای مردم‌اش ادامه همین وضع را آرزو می‌نماید.

خامنه‌ای نمی‌خواهد بفهمد که مشارکت در «انتخابات» آنگونه که او از مردم می‌خواهد، نمی‌تواند امنیت و مصونیت ملی را موجب شود. آنچه که می‌تواند کشور را حفظ کند و به اعتبار آن بیافزاید، رضایت مردم است. اما نظامی که دشمن مردم است و به خواست‌ها و مطالبات محقانه آنها با گلوله پاسخ می‌دهد و قهر آنان را برمی‌انگیزد، چگونه می‌توان از آنها خواست تا با مشارکت خود و رأی‌دادن به «ابراهیم رئیسی»، «امنیت ملی» را تضمین کنند. خامنه‌ای تأکید کرده است که «مشکلات معیشتی اقتصادی در کشور داریم، اما هر کسی که ایرانی است و ایران را دوست داشته و امنیت و اقتدار ایران را دوست دارد، باید در این انتخابات شرکت کند».

بطور خلاصه هدف از انتخاب «رئیسی» و شبه کودتای انتخاباتی، یعنی حذف بدون اما و اگر «اصلاح‌طلبان» از قدرت، یک‌دست کردن حاکمیت و کنترل کامل بر سه قوه برای پاسخ واحد به مشکلات داخلی، ادامه سیاست‌های نتولیرالی با مشت آهنین در قالب «مبارزه با فساد و رانت‌خواری و اجرای عدالت» از یکسو و پاسخ واحد در عرصه بین‌المللی و شفافیت بخشیدن به استراتژی اتحاد و همکاری با چین و تقویت پروژه جاده ابریشم است.

**چهارم**، اما سیاست تحریم و سیلی به رژیم، اگرچه مهم است، اما به تنهایی نمی‌تواند چاره ساز باشد. خشم و نفرت مردم نسبت به جلدان و ریاکاران حاکم به حق، به یک امر همگانی بدل شده است. آخرین پرده نمایش سیزدهمین دوره بازی انتخاباتی هم به پایان رسید، اما فردا چه باید کرد؟ اگر این مبارزه و نارضایتی عمومی و این «نه» گفتن‌ها به ستمگران حاکم، بدون رهبری صحیح، بدون تشکیلات، بدون افق روشن ادامه یابد، به تغییر رژیم منجر نخواهد شد، حتا اگر تغییری هم در جایجایی قدرت صورت گیرد، تغییری به نفع مردم نخواهد بود.

بقول لنین «تلاش‌هایمان باید عمدتاً و مقدم بر هر چیز بر روی تشکیلات متمرکز شود. مادام که ما فاقد سازمان‌های انقلابی کاملاً منسجمی، که بتوانند گروه‌های منتخبی از مردم را برای هدایت همه‌جانبه تظاهرات جمع کنند، نداشته باشیم، همواره با عدم موفقیت روبرو خواهیم بود».

باید تأکید شود علاوه بر تغییرات عینی تغییر ذهنی و توان طبقه انقلابی و به حد کافی قدرتمندی، که بتواند نظام کهنه را که هرگز و حتی در دوران بحران نیز چنانچه آن را «نیندازند»، خود نخواهد افتاد، لازم و ضروری است. رمز پیروزی ملت در مقابل طوفان تحولات آینده آگاهی و تشکیلات است. طبقه کارگر ایران تنها با حزب سیاسی‌اش و رهبری اعتراضات مردم می‌تواند مبارزات آنها را به سرانجام برساند. •



آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی، که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر، که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام

۶. منع اسراف و تبذیر در همه شیون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

## مرغی، که انجیر میخوره، نوکش کجه!

تضاد ماهیت نظام اقتصادی و عملکرد جمهوری اسلامی با وعده‌های انتخاباتی «ابراهیم رئیسی»

کار پاکان را قیاس از خود مگیر  
گرچه باشد در نوشتن شیر، شیر  
آن یکی شیر است اندر بادیه  
و آن یکی شیر است اندر بادیه  
آن یکی شیر است که آدم می خورد  
و آن یکی شیر است کادم می درد

نمایش رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری به پایان رسید و با مشخص شدن نتیجه انتخابات، که از قبل روشن و قابل پیش‌بینی بود، «سید ابراهیم رئیسی» به عنوان رئیس دولت سیزدهم رسمیت یافت. حالا «رئیسی» مانده و وعده‌هایی که جز روده‌درازی و تکرار راه و روش هم‌تایان پیشین خود حرف تازه‌ای در آن نیست.

بعد از گذشت ۴۳ سال از حاکمیت جمهوری اسلامی و تأیید و تصویب قانون اساسی آن توسط فقهای شیعه و شخص خمینی، ببینیم آیا در راستای اجرای اهداف اجتماعی و اقتصادی آن، مندرج در اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی حتی کوچک‌ترین اقدامی صورت گرفته است و یا دقیقاً برخلاف آن عمل شده است؟

### اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ

حکومتیان در نظام اقتصادی سرمایه‌داری نئولیبرالیستی است که آگاهانه و با برنامه توسط ولی فقیه و توافق همه جناح‌ها و باندهای مافیائی حاکمیت، اجرا شده است!

«ابراهیم رئیسی»، که مدعی عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد است، قرار نیست هیچ‌گونه اقدامی علیه سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیستی انجام دهد! ایشان برای اطمینان خاطر دادن به طبقه سرمایه‌دار حاکم در نشست انتخاباتی اتاق بازرگانی متشکل از واردکنندگان دلال و خام فروشان، از «خصوصی‌سازی» و «بازار» دفاع و از «اداره دستوری اقتصاد» و «متصدی‌بودن دولت» در امور اقتصادی انتقاد کرده است.

او به ویژه از سیاست «خامنه‌ای»، در تحریف و تغییر اصل ۴۴ قانون اساسی ایران دفاع کرده و گفته «اشکالی که در برخی واگذاری‌ها داریم، اشکال مصادق است» و «اصل خصوصی‌سازی باید ادامه پیدا کند».

حمایت از سیاست‌های «تعدیل ساختاری» و «خصوصی‌سازی» از طرف رهبران عالی جمهوری اسلامی تازگی ندارد، آنچه در این دیدار جالب توجه بود، این بود که «ابراهیم رئیسی» مدعی «خدمت به محرومان» و «مستضعفان»، اولین برنامه انتخاباتی خود را با نمایندگان سرمایه‌داران بر گزار کرد.

#### مهم‌ترین وعده‌های انتخاباتی رئیسی:

- « ایجاد سالانه یک میلیون شغل
- « ساخت ۴ میلیون مسکن در ۴ سال
- « حل مشکل حاشیه‌نشینان
- « کاهش ۵۰ درصدی هزینه درمان
- « رشد اقتصاد تولیدی
- « پایان دادن به فساد و رانت‌خواری
- « اجرای خصوصی‌سازی واقعی!

چنانکه ملاحظه می‌کنید «رئیسی» در دروغ گوئی و عوام‌فریبی و اعتقاد به نئولیبرالیسم هیچ‌گونه فرقی با «حسن فریدون» ندارد! در شرایطی، که قرار است همان سیاست‌های اقتصادی را اجرا کند و در بر همان پاشنه خواهد چرخید، انتظار نتایج متفاوت نمی‌توان داشت! بخصوص در شرایط کاهش درآمدهای نفتی و تحریم‌های بانکی ناشی از خروج آمریکا از توافق برجام. راه نجات کارگران و زحمتکشان ایران از مصائب فعلی جز از طریق یک تحول انقلابی در راستای نابودی نظام سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم امکان‌پذیر نیست!

تغییر کامل اصل ۴۴ قانون اساسی بعد از جنگ و توسط «خامنه‌ای» و «رفسنجانی» و شورای تشخیص مصلحت نظام منتخب ولی فقیه کاملاً در راستای اجرای سیاست‌های اقتصادی جهانی‌سازی سرمایه و گلوبالیزاسیون و برنامه‌های نئولیبرالیستی دیکته شده توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و منافع بورژوازی بزرگ تجاری و بورژوازی بروکراتیک ایران و در راستای تخریب اقتصاد ملی و نابودی تولیدات صنعتی و کشاورزی (در عرصه‌های غیرخام فروشی) و غارت و چپاول ثروت ملی تحت عنوان خصوصی‌سازی بود!

#### اصل ۴۴ قانون اساسی قبل از تغییر و تحریف

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی نیز شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود و بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

تغییر و تحریف اصل ۴۴ قانون اساسی تا جایی در تضاد و تناقض با این اصل پیش رفت که در تیر ماه ۸۵ خامنه‌ای اجازه واگذاری سهام صنایع دولتی مادر و بزرگ را تا ۸۰ درصد به بخش خصوصی صادر کرد.

همچنانکه مشاهده نمودید خصوصی‌سازی‌ها در همه عرصه‌های صنایع و معادن و جنگل‌ها و مراتع و کشاورزی و آب و برق و بانک‌ها و سیستم حمل و نقل چرخی و ریلی و هوایی و دریایی و آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و خصوصی‌سازی تجارت خارجی و برداشتن سوبسیدهای کالاهای اساسی و برداشتن تعرفه‌های گمرکی از کالاهای وارداتی و ورود همه‌گونه کالاهای مصرفی به کشور، از طرفی باعث به ورشکستگی کشاندن و نابودی بسیاری از صنایع و کشاورزی ایران و اقتصاد ملی کشور شد و از طرف دیگر باعث گسترش بیکاری و فقر و حاشیه‌نشینی و بی‌خانمانی و هزاران مصائب دیگر در بین اکثریت جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و پیداشدن قشری از مولتی‌میلیاردرها در بین بورژوازی بروکراتیک با عمامه و بی‌عمامه و کلان سرمایه‌داران تجاری و گسترش رشوه و رانت‌خواری و دزدی و غارت و چپاول اموال عمومی در بین مافیای حکومتی شد!

بنابر این علت اصلی همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی موجود، از جمله شکاف عظیم طبقاتی و بی‌عدالتی و فقدان امنیت شغلی و اجتماعی و وجود فساد گسترده در بین

## «انتخاباتی» ضددموکراتیک و رویکردهای داخلی و خارجی به آن

«انتخابات» ریاست جمهوری ۱۴۰۰ در ایران و پیروزی از پیش مهندسی شده «ابراهیم رئیسی» در آن نه تنها دیگر نمایی از «دموکراسی» چون چند دوره گذشته دربرداشت، بلکه بیانگر چهره ارتجاعی واقعی حاکمان در جمهوری اسلامی بود. در منظر آگاهان سیاسی، که بسیار پیش از این از ماهیت ارتجاعی و قرون وسطایی رژیم سرمایه‌داری اسلامی مطلع بودند و از ابتدای شکل‌گیری نظام شیوه‌های حذف فیزیکی و یا انزوای فعالین سیاسی از سوی نو قدرتان برایشان روشن بود، نه تنها رد صلاحیت‌های شورای نگهبان شگفت‌انگیز به نظر نمی‌رسید، بلکه آنرا در راستای اعمال گذشته رژیم بدیهی می‌دیدند.

آنچه امروز اسباب رنجش خاطر «اصلاح طلبان» را در عدم تأیید صلاحیت کاندیداهای مورد نظرشان آزرده ساخته است، چیز تازه‌ای نیست، بلکه همان طریقی است که طی بیش از چهار دهه گذشته در کنار اسباب دیگری همچون اعدام و حبس و ترور مانع حضور هر اندیشه دیگری در مراکز تصمیم‌گیری شده بود. همان سبک و سیاقی که در سال‌های دهه شصت در غیاب رسانه‌های اجتماعی و با بهره‌گیری از به قول خودشان نعمت جنگ فاجعه کشتار زندانیان سیاسی دمکرات و چپ را در بی‌خبری عمومی رقم زد. همان روشی که در سال‌های ابتدایی قدرت‌گیری با محوریت همین به اصطلاح اصلاح طلبان امروز زمینه حذف و انزوای بسیاری از اندیشمندان را فراهم کرد.

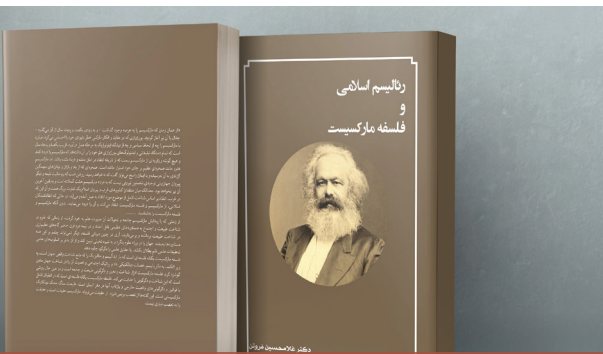
علی‌رغم نمایش بیست ساله «اصلاح طلبان» در مشروعیت بخشی به رژیم، که حقیقتاً باعث خطای باصره در سطح گسترده‌ای از مردم نیز گشته بود، شرایط امروز حکومت از لحاظ مشروعیت دموکراتیک با توجه به وقایع آبان ۹۶ و ۹۸ و همچنین عدم مشارکت معنادار بیش از پنجاه درصد حائزین حق رأی در انتخابات اخیر چیزی شبیه روزهای پایانی دهه شصت چه بسا بدتر است.

ولی نباید از نظر دور داشت که اینبار حاکمیت با سنجش دقیق هزینه، فایده عمل خود برچسب عدم مشروعیت را به بهای یکپارچه سازی قدرت در شرایط حساس داخلی و خارجی به جان خریده و ابایی از بدنامی مکرر ندارد. آنچه امروز برای حکومت از اهمیت به سزایی برخوردار است یک صدایی در بعد بین‌المللی با هدف برون رفت از بن بست به وجود آمده پس از خروج آمریکا از برجام و اطمینان بخشی به شرکایی چون چین و روسیه از آینده پس از مرگ رهبر در ثبات سیاسی

در ایران است، عاملی که نقش اساسی در توافقنامه راهبردی اخیر بین ایران و چین بازی می‌کند.

از منظر خارجی آنچه آمریکا و اپوزیسیون ایرانی تحت حمایت‌اش را برانگیخته تا تیغ انتقاد به انتخاب «رئیس» به عنوان رئیس جمهور بَرکشند، دقیقاً همین رویکرد حاکمیت است. اگر نه برای سیاستمداران کاخ سفید و پنتاگون دفاع از دموکراسی و آزادی جز ابزاری برای دست‌اندازی به منافع کشورهای مستقل نیست. به گواه تاریخ همین‌ها نه تنها به استبداد حکومت پهلوی و به حزب رستاخیز پهلوی ساخته انتقادی نداشتند، بلکه حامی قسم‌خورده‌اش بودند، تنها به این دلیل که شاه هم‌پیمان و پیش‌برنده سیاست‌های آنها در منطقه بود. ایضاً در مورد حکومت ارتجاعی و غیردموکراتیک عربستان سعودی همین رویه صادق است. حکومتی، که نه تنها برآمده از اراده مردم و انتخابات آزاد نیست، بلکه دست‌اش نیز به خون هزاران مخالف و کودکان یمنی آلوده است، ولی با این حال مورد حمایت آمریکاست. چرا که نقش اساسی در تنظیم قیمت بازار نفت به نفع اقتصاد آمریکا بازی می‌کند و همینطور از دلارهای نفتی به نفع پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا بهره می‌برد.

با این حساب اگر «رئیس» یا هر کس دیگر، چه با رأی مردم در یک فرایند دموکراتیک و چه برخاسته از مهندسی انتخابات یا حتا با زور اسلحه و توسل به کودتا به شرطی بر مسند قدرت تکیه زند که گوش به فرمان و حافظ منافع امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه باشد، مورد حمایت و پشتیبانی قرار خواهد گرفت. پس می‌توان نتیجه گرفت علی‌رغم چهره ارتجاعی حاکمان ایران، که به راستی وصله‌ای ناجور بر قامت میهن و مردمان آن است و باید به دست توانمند و آگاه خلق همچون رژیم پهلوی به زباله‌دان تاریخ پرتاب شوند، می‌بایست بر این موضوع واقف بود که مخالفت آمریکا با جمهوری اسلامی نه در راستای این هدف، بلکه در مسیر ارتجاع و به انقیاد کشیدن دوباره ایران از لحاظ سیاسی است. بنابر این شعار (تحریم انتخابات و نه به جمهوری اسلامی) با در نظر داشتن این واقعیت، یعنی مبارزه با امپریالیسم و دشمنان رنگارنگ خارجی راه گشاست و لاغیر.



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



## مناظره سوم و پایان یک

### نمایش مسخره

سومین و آخرین پرده نمایش مناظره بین نامزدهای «انتخابات» ریاست جمهوری دیروز، شنبه ۲۲ خرداد، برگزار شد. هفت نفر از بین ۵۰۰ نامزد انتخاباتی توسط شورای نگهبان انتخاب شدند تا مردم یکی از این اوباشان ستم‌گر را به عنوان رئیس جمهور خود برگزینند. یکی از وقیح‌ترین شکل انتخابات مهندسی شده‌ای که در طول ۴۲ سال عمر رژیم جمهوری اسلامی رخ داده و در نوع خود کم نظیر است. این اوباشان ریاکار از اختلاف طبقاتی، زنان و خانواده، تحریم، اقتصاد هزار میلیاردی منطقه تا آموزش پرورش، پیامک حجاب، ورزش، کرونا، رانت، فساد، جوانان و زنان.... به نام مردم و بر ضد مردم سخن گفته‌اند. این مناظره، سه نوبتی، این بلبشو، این بی‌نظمی و آشوب، این قحط‌الرجال، آینه حکمرانی و بازتابی از هرج و مرج بحران اقتصادی و سیاسی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است که به بن‌بست کامل رسیده است.

«سید علی خامنه‌ای»، بیت رهبری و اصول‌گرایان از مدت‌ها قبل تصمیم گرفته‌اند که پیروزی «ابراهیم رئیسی»، یکی از منفورترین عناصر رژیم را، که معروف به «آیت‌الله قتل‌عام» است، با آرای اقلیت مردم و مشارکت بسیار پایین تضمین نمایند. یکدست کردن حاکمیت، تنگ‌تر کردن فضای سیاسی جامعه، حذف جناح رقیب از قدرت و تشدید سرکوب معترضین در همه عرصه‌ها سیاست حساب شده‌ای است، تا از این طریق شاید بقاء نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را برای مدتی تضمین نمایند. رژیم از یک طرف تحت محاصره میلیون‌ها مردمی است که جان‌شان به خاطر گرانی، فقر، بیکاری، بی‌حقوقی و سرکوب به لب رسیده و این نمایش مسخره را طبعاً به تمسخر می‌گیرند و هیچ توهمی به هیچیک از این مفسدان قاتل و جنایتکار ندارند. از طرف دیگر لاشخوران بین‌المللی و نوکران ایرانی‌شان نیز کمین کرده‌اند، تا از این نارضائی عمومی، از این هرج و مرج داخلی سود جویند و با تحریک و توطئه، مداخله و ترور مسیر مبارزه مستقل مردم را منحرف سازند تا بر خر مراد سوار شوند. خطر چنین امری را با توجه به دلیل فقدان یک بدیل انقلابی توده‌ای و مورد اعتماد مردم، نباید نادیده گرفت. اوضاع کنونی ایران با شرایط انقلاب بهمین ۵۷ بسیار متفاوت است. باید هوشیارانه ضمن دفاع از مبارزات مردم ستمدیده برای ساماندهی صف مستقل کوشید و از هیچ اقدام متحدانه‌ای بر ضد دشمنان داخلی و خارجی دریغ نوزید. رمز پیروزی نهایی کارگران و زحمتکشان، آگاهی و تشکل است، که بدون رهبری حزب واحد طبقه کارگر متحقق نخواهد شد.

«نه» به انتخابات قلابی!

«نه» به جلا دادن رژیم سرمایه‌داری اسلامی!

«نه» به حکومت شاه الهی!

«نه» به اپوزیسیون عامل امپریالیسم!

زنده باد پیکار متحد مردم ایران!

## سیاست یکدست کردن سه قوه

### نامه ای از ایران

«جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیش تر و نه یک کلمه کم تر»، اولین و تنها گزینه «انتخابات» در ابتدای انقلاب بود. در آن زمان، برای درصد کمی از مردم، انتخابی «مسخره» و غیر دموکراتیک بود. از آن موقع تا به امروز همه انتخابات، نه تنها مسخره و مضحک، بلکه مهندسی شده بودند، زیرا که در ساختار اقتصادی کشور و شرایط معیشتی مردم زحمتکش هیچ تغییر و گشایشی حاصل نشد که هیچ، فقر، بیکاری، تورم، گرانی، فساد و دزدی و بگير و ببند گسترش یافت. چرا؟ برای اینکه انقلاب هنوز ادامه دارد و ضدانقلاب در راه نجات تفکرات قرون وسطایی و موقعیت خوب مالی اش مقاومت می‌کند! در تمام این مدت ۴۲ ساله، مآله‌های حاکم، که از دم گربه گرفته تا کره‌ی ماه حدیث و روایت دارند و لذا در دودوزه‌بازی و شیادی بی‌همتا هستند، به طریقی و با تعویض مهره‌ها و کشتار بی‌رحمانه، توانستند عجالتاً تا به اینجا، جان سالم دربره‌برند و «انتخابات» به ظاهر مسخره‌ای را هم مدیریت نمایند. اینگونه رأی‌گیری‌ها و «انتخاب» رئیس جمهور و یا نماینده، مختص نظامات سرمایه‌داری در جهان و از جمله در ایران است. به سخن ساده؛ همواره خر همان خر است و فقط پالان‌اش عوض شده است. به عنوان نمونه، برای امپریالیسم فرانسه چه فرق می‌کند که «اولاند سوسیالیست» رئیس جمهور باشد و یا «مکرون فاشیست». برای امپریالیسم آمریکا هم تفاوتی نمی‌کند که «اوباما» باشد یا «ترامپ» و یا «بایدن». بر این پایه برای رژیم ایران هم چندان فرقی بین «خاتمی»، «احمدی نژاد» و «روحانی» نیست. اصل، حفظ ولایت فقیه و اقتصاد خصوصی‌سازی و بازار است. اغلب گروه‌ها، سازمان‌ها، چه «چپ»، چه راست و یا میانه، روند انتخابات در ایران را مضحکه می‌دانند، اما به نظر می‌آید که قضیه به این سادگی نیست! یکدست‌سازی سه قوه از طرف طبقه حاکم بسیار جدی است تا جایی که ترسی از مشارکت کم هم ندارد! با تأیید صلاحیت «سید ابراهیم رئیسی»، که به احتمال بسیار قوی رئیس جمهورش خواهند کرد و ریاست جمهوری‌اش هم هیچ تغییرات مثبتی برای کارگران و زحمتکشان به بار نخواهد آورد، طبقه سرمایه‌دار حاکم، دو هدف «مهم» را دنبال می‌کند:

### اول: حفظ و تداوم اصل ولایت فقیه!

طبق ماده ۱۱۳ قانون اساسی رژیم؛ «پس از مقام رهبری، رئیس جمهور، عالی‌ترین مقام رسمی کشور و مسئول اجرای قانون اساسی کشور است». و «رئیس» گزینه خوبی برای ذوب‌شدگان در ولایت است.

### دوم: حفظ و تداوم سیاست‌های «صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، این دو زالوی مکنده خون ملت‌های جهان و ایران!

در جلسه اتاق بازرگانی، که جایگاه سرمایه‌داران زالوصفت حامی «اقتصاد خصوصی‌سازی» است، «حاج آقا رئیسی»، از «اقتصاد خصوصی‌سازی» و «بازار»، که مورد تأیید ولی فقیه نیز هست، دفاع نمود و از «اداره‌ی دستوری اقتصاد» و «متصدی بودن دولت» در امور اقتصادی انتقاد کرد. به نظر می‌آید که بر این اساس و با اتخاذ چنین سیاستی، مردم ایران بازهم فقیر و فقیرتر و ثروتمندان و رانت‌خواران و آقازاده‌ها خریول‌تر خواهند شد! در این مسیر و در این کارزار اعتراضات و اعتصابات و شورش‌ها علیه تبعیض و بی‌داد، «مغلوب»، یعنی کارگران و ستمدیدگان، فاتح میدان خواهند شد. جای هیچ تردیدی نیست!! اما شرط اساسی پیروزی، داشتن رهبریت، تشکیلات و سازماندهی منسجم و آگاه است! به امید آن روز •



## چهل سال از تیرباران قهرمانان توفانی گذشت

ما آن شقایقیم، که با داغ زاده‌ایم.....

«زنده آنهايند که پیکار می‌کنند، آنها که جان و تن‌شان از عزمی راسخ آکنده است، آنها که از نشیب تند سرنوشتی بلند بالا می‌روند. آنها که اندیشمند به سوی هدفی عالی راه می‌سپزند و روز و شب پیوسته در خیال خویش یا وظیفهای مقدس دارند، یا عشق بزرگ»

(ویکتور هوگو)

قهرمانی درخشان‌ترین تجلیات روح انسانی است که بدون شک از طبیعت انسان‌هایی مایه می‌گیرد که از تعلق خویش به توده‌های خلق و از تعلق خویش به جامعه انسانی و ایده‌آل‌های باشکوه آن اهمیت قائل‌اند. از اینرو آگاهانه تمام نیروی خویش را، که از قدرت لایزال خلق مایه می‌گیرد، وقف مبارزه در این راه آرمان می‌نمایند و به قهرمانان فناپذیر تاریخ مبدل می‌شوند. رفقا «رضا محمدپور»، «نادر رازی»، «مسعود نائیبیان»، «داریوش انصاری»، «جانبرار روحی»، «مهدی شیرخدا»، «منوچهر تهرانی» و رفیق «ابراهیم دادجو» از جمله این قهرمانان تاریخ‌اند که ایستاده جان دادند و در مقابل ارتجاع سر فرود نیاوردند. سردارانی از ارتش پرولتاریای ایران، که در مرگ خویش زندگی نسل‌های متوالی زحمتکش‌شان از بردگان دوران باستان و پرولتاریای مدرن گرفته تا زحمتکش‌ان آزاد دنیای فردا را در نور دیده به ابدیت به دورترین نقاط فرا روی تاریخ پیوسته‌اند.

این رفقا چهل سال پیش، در تابستان ۱۳۶۰ به جرم دفاع از کارگران و زحمتکش‌ان و آرمان کمونیستی و عضویت در

حزب پرولتاریای ایران، حزب کار ایران (توفان) تیرباران شدند و امروز در میان ما نیستند و خیلی زودتر از آنچه به تصور آید، ما را ترک کردند. اما مرگ آنها با مرگ عادی آنچنان که همه به آن دچار می‌شوند، تفاوت بسیار داشت. آنها در اوج سلامتی جسمی و فکری و بر قله رفیع شکوفائی تن و جان آمرانه مرگ را فراخواندند، تا آمریت مطلق‌العنان آنرا درهم‌شکنند. آنها به مرگ زودرس دچار نگشتند، بلکه در آن زمان که پاسداری از آرمان زندگی انسانی «برای انسان زحمتکش» جز با مرگ آگاهانه و ارادی ممکن نبود، مردند تا این آرمان و امیدهای مربوط به آن را زنده نگاه دارند. اگر تاریخ باستانی مردم با داشتن یک آرش تیرانداز بر خود می‌بالد، تاریخ فردای این مردم به لشگرهائی تمام و کمال از آرش‌های خویش خواهد بالید. سردارانی چون «حاج علی دوافروش»، «اسدالله غفارزاده»، «حیدر عمواغلی»، «حجازی»، «کارگر چاپخانه»، «اران»، «روزیه»، «آوانسیان»، «قاسمی»، «باباپورسعادت»، «قدرت فاضلی»، رفقا «مجلسی» و «حمیدرضا چیتگر(بهمنی)» که همچون ستارگانی در آسمان انقلاب ایران درخشیدند و زندگی والای خویش را آگاهانه فدا نمودند؛ کسانی که برای آرمان‌های کمونیسم جان باختند.

خاطره رفقای جانباخته، «جانبرار روحی»، «مسعود نائیبیان»، «داریوش انصاری»، «ابراهیم دادجو»، «مهدی شیرخدا»، «منوچهر تهرانی»، «رضا محمدی» و همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم را به سلاحی تبدیل کنیم و با آن قلب قاتلان‌شان را نشانه رویم.

با امید و آرزوی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، به دست مردم و استقرار سوسیالیسم در ایران.

یاد این رفقا را گرامی می‌داریم.

یاد همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد!

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست کارگران و زحمتکش‌ان ایران!•



## از اعتصابات گسترده سراسری کارگران شرکت نفت حمایت می‌کنیم

معلمان شاغل و بازنشسته در همبستگی با اعتصابات سراسری کارگران شرکت نفت و پتروشیمی بیانیه‌ای صادر کرده‌اند که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد

\*\*\*

«بنابر فرخوان‌های کارگران غیررسمی شرکت نفت و پتروشیمی دامنه اعتصابات کارگران وسیع‌تر شده است و به صورت اعتصابات سراسری در جریان است.

سال‌هاست کارگران زحمتکش اعتراضات خود را مبنی بر کمی دستمزد که معیشت خانواده‌های آنها را در این شرایط بد اقتصادی با بحران روبرو ساخته است، به صورت مسالمت‌آمیز و به دور از خشونت در قالب تجمع، تحصن و ارائه طومارهای نارضایتی به گوش مقامات و حاکمیت رسانده‌اند، اما کارگران هیچگاه با پاسخ مناسب روبرو نشده‌اند و به جای توجه به وضعیت معیشتی آنان متأسفانه بارها مورد سرکوب قرار گرفته‌اند، اخیراً کارگران ستم‌دیده، که امیدی به امنیت شغلی خود ندارند، در کمپینی تحت عنوان بیست - ده (۱۰ - ۲۰) اقدام به اعتصاب سراسری نموده‌اند.

آنچه امروز کارگران غیررسمی شرکت نفت را ناگزیر به اعتصاب سراسری و گسترده نموده است، پایین بودن سطح دستمزدها، عدم امنیت شغلی پایدار، عدم آموزش رایگان برای فرزندان و کودکان، نبود خدمات بهداشتی مناسب و رایگان،

افزایش لحظه‌ای قیمت نیازمندی‌ها، بی‌بهره بودن از پوشش‌های بیمه‌ای کارآمد و زندگی زیر خط فقر می‌باشد. آنها خواهان ده روز مرخصی پس از بیست روز کار طاقت‌فرسا هستند، حتی که از آنها گرفته شده است.

در همین راستا کارگران رسمی شرکت نفت نیز ضمن حمایت از خواسته‌های مشترک همه کارگران اعلام کرده‌اند در صورت عدم پاسخ مناسب به مطالباتشان در روزهای آتی به جمع کارگران اعتصابی خواهند پیوست.

وضعیت امروز کارگران و تمام زحمتکشان نتیجه اعمال سیاست‌های ارزان‌سازی نیروی کار و خصوصی‌سازی است که در آن شرکت‌های پیمانکاری بیش‌ترین سود را می‌برند و فقر و فلاکت را به اکثریت جامعه تحمیل می‌کنند؛ سیاست‌هایی که فراتر از کارگران کارخانه‌ها، تبعیض و ستم بر نیروهای کار آموزشی و درمانی و حوزه خدمات را تحمیل نموده است.

ما جمعی از جامعه بزرگ معلمان شاغل و بازنشسته حمایت قاطعانه خود را از اعتصابات سراسری کارگران شرکت نفت و پتروشیمی اعلام می‌کنیم.

بهره‌مندی از دستمزد مناسب، معیشت مناسب، آموزش رایگان و با کیفیت کودکان، فراهم‌نمودن امکانات بهداشتی مناسب در محیط کار و مطالبات کمپین - بیست - ده را، که جزئیات آن در کمپین از سوی کارگران مشخص شده، حق مسلم کارگران معترض می‌دانیم و باور داریم دفاع از حقوق قانونی و انسانی کارگران شریف و زحمتکش یک وظیفه عمومی است و به تمام اقشار اجتماعی برای همبستگی و حمایت از کارگران فراخوان می‌دهیم. بی‌شک راه موفقیت و پیروزی در اتحاد و همبستگی جمعی است.»

سوم تیرماه هزار و چهارصد

منبع کانال معلمان عدالت‌خواه



## اعلام حمایت فدراسیون بین‌المللی پتروشیمی اینداستریال از کارگران اعتصابی نفت در ایران

“24 June, 2021 Workers at oil and gas projects and petrochemical plants have gone on strike in South Pars, in Tehran and across Iran as part of coordinated action called Strike Campaign 1400, referring to the current year in the Iranian calendar.....”

کارگران پروژه‌های نفت و گاز و کارخانه‌های پتروشیمی در پارس جنوبی، در تهران، و در سراسر ایران، در اقدامی هماهنگ به نام «کمپین اعتصاب ۱۴۰۰»، که به سال جاری در تقویم ایرانی اشاره دارد، دست به اعتصاب زده‌اند. از آنجا که دولت ایران سندیکاهای مستقل را به رسمیت نمی‌شناسد و این سندیکاهای به طور سیستماتیک محدود می‌شوند، این اقدام جمعی به اعتصاب توسط کمیته‌های اعتصاب کارگران هماهنگ می‌شود. خواست‌های فوری اعتصاب‌کنندگان عبارت است از: مزد بهتر، تأمین اجتماعی مناسب و شرایط بهتر زندگی. کمیته‌های اعتصاب فهرست روشنی از خواست‌های مزدی برای هر رده شغلی منتشر کرده‌اند و گفته‌اند که در صورتی که کارفرمایان خواست‌های کارگران را بپذیرند و اجرا کنند، کار از سر گرفته خواهد شد. اعتصاب جاری مشابه با و در ادامه، موج یکماهه اعتصاب بیش از ده‌هزار کارگر است که در اوت [تابستان] سال گذشته در میدان‌های نفت و گاز پارس جنوبی صورت گرفت. اعتصاب سال گذشته (۲۰۲۰) کارفرمایان را مجبور به بهبود

مزد و شرایط زندگی کرد. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران (UMMI) وابسته به کنفدراسیون جهانی اینداستریال (IndustriALL) گزارش می‌دهد که موج کنونی اعتصاب زمانی آغاز شد که کارگران در ۱۹ ژوئن [۲۹ خرداد ۱۴۰۰] در تعدادی از سایت‌های جنوب ایران وسایل و ابزارهای کار را زمین گذاشتند و محل کار را ترک کردند و به خانه‌هایشان رفتند. این کارگران در استخدام شرکت‌های پیمانکاری

دلالتی هستند که برای پروژه‌های توسعه میدان‌های نفت و گاز نیروی کار تأمین می‌کنند. این پیمانکاران دلال به صورت سپر ضربه‌گیر بین کارگران و شرکت‌های نفت و گاز عمل می‌کنند، و سعی می‌کنند با استخدام کارگران در چارچوب قراردادهای کوتاه‌مدت و چرخشی، خواست‌های کارگران را مهار و کنترل کنند. چرخه نوبت‌کاری به صورت ۲۰ روز کار پی‌درپی و ۱۰ روز تعطیلی است. در طول دوره کاری ۲۰ روزه، کارگران در محل کار، در خوابگاه‌های جمعی سکونت دارند و می‌خوابند. بیش‌تر اعتصابی‌ها از تکنیسین‌ها و کارگران و افزارمندان حرفه‌یی مانند داربست‌کار، لوله‌کش، جوشکار، و برقکار هستند. شرایط در خوابگاه‌ها بسیار بد و غیربهداشتی است، و غذای کانتین‌ها نامرغوب و مزدها پایین است. کارگران از آنجا که از طریق واسطه‌ها [دلال‌های نیروی انسانی] استخدام می‌شوند، نمی‌توانند مستقیماً با شرکت‌های نفت و گاز در مورد شرایط بهتر کار و زندگی مذاکره کنند. میزان و نحوه پرداخت مزد و شرایط کار توسط پیمانکاران تعیین می‌شود. همچنین، پیمانکاران مرتب با طبقه‌بندی کردن نادرست کارگران، حق بیمه تأمین اجتماعی را کم‌تر از حد لازم [به عنوان کارگر ساده و نامتناسب با شغل واقعی آنها] می‌پردازند در نتیجه بر میزان حقوق بازنشستگی، بیکاری، و بیمه بیماری آنها تأثیری می‌گذارد. اعتصاب اکنون در سراسر کشور گسترش یافته است. در حال حاضر هزاران کارگر در ۲۲ پالایشگاه و پروژه در مراکز نفت و گاز، از جمله در جهان پارس، پتروشیمی‌های گچساران، پالایشگاه تهران، و پالایشگاه آبادان دست به اعتصاب زده‌اند و جریان کار در تعدادی از پروژه‌ها را به تعطیل کشانده‌اند. از آنجا که عده کارگرانی که چرخه نوبت‌کاری ۲۰ روزه‌شان تمام می‌شود و حقوق‌شان را می‌گیرند، هر روز بیش‌تر می‌شود، انتظار می‌رود که این اعتصاب گسترش یابد. کارکنان استخدام مستقیم [رسمی] شرکت ملی نفت ایران نیز قرار است در روز ۳۰ ژوئن [۹ تیر] به این اعتصاب بپیوندند و راه‌پیمایی‌های اعتراضی سراسری برگزار کنند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران در بیانیه‌ای که در وب‌سایت خود منتشر کرده است، خطاب به کارگران شاغل در این بخش گفته است: «پیچ‌ها به دست ما بسته می‌شوند و لوله‌ها با زحمت ما جوش می‌خورند. اما مونتاژ نکنیم، جوش ندهیم، داربست ننبدیم، هیچکسی قادر نیست کار ما را انجام دهد. به قدرت خود ایمان داشته باشیم و در خانه بمانیم تا ببینم آیا داربستی بسته خواهد شد؟!».

تحریم‌های آمریکا بیش‌تر صادرات نفت و گاز ایران را متوقف کرده است. ارزش پول ملی کاهش یافته و تورم در بهای مواد غذایی بسیار بالاست. پیش از آغاز اعتصاب کنونی، کارگران در جلوی مجلس در تهران و همچنین در اهواز، مرکز استان خوزستان، که تولیدکننده نفت است، دست به تظاهرات زدند و خواستار رسیدگی «بیژن زنگنه»، وزیر نفت به خواست‌های خود شدند.

«کمال اوزکان»، معاون دبیرکل اینداستریال درباره اعتصاب جاری گفت: «بار دیگر برادران ایرانی ما شجاعت و عزم شگرفی از خود در برابر ظلم و ستم نشان داده‌اند. آنها برای دفاع از خود، برای بهبود شرایط کار و زندگی خود، دست به اقدام جمعی زده‌اند و خواستار آن هستند که میهن‌شان در خدمت تأمین نیازهای اکثریت باشد. ما به آنها درود می‌فرستیم و با پیکار و خواست‌های عادلانه آنها ابزار همبستگی می‌کنیم.»



اضافه کنید که چند ماه کار کرده باشید و همین حقوق‌های اندک زیر خط فقری را هم دریافت نکرده باشید.

#### مشکلات ما راه حل‌های شماسست

تضاد اصلی درست در این نقطه است که تمام مشکلات رذالت باری که از نظرمان کار پیمانکاری دارد، همان دلایلی است که سرمایه‌گذار و کارفرما و پیمانکار را مجاب می‌کند این شکل از قراردادهای کاری را منعقد کنند و دولت حامی‌شان پشت‌شان را بگیرد تا از یک طرف هر چه می‌خواهند حقوق کار را نادیده بگیرند و پول روی پول بیاورند و از طرف دیگر در فرایند هم‌سرنوشت شدن کارگران و کارمندان تحت ستم اختلال ایجاد کرده باشند و اعتراضات کارگری را به تأخیر بیاورد.

#### چنین نمانده و چنین نیز نخواهد ماند

این دوره از اعتصابات کارگران و کارمندان صنعت نفت و گاز شگفت‌انگیز است. باید هزاران بار به شکل‌گیری اتحاد میان کارگران رسمی و پیمانی درود فرستاد. باید اهمیت شکل‌گیری آگاهی طبقاتی‌ای که رسمی و غیررسمی و پیمانی و قرارداد معین را در دوردست‌ترین و دور از هم‌ترین نقاط کشور صف به صف گرد هم آورده است، درک کرد و صدایشان شد. به یاد بیاورید اگر در تهران جمعی ۵۰ نفره از اصلاح‌طلبان در خیابانی جمع شوند و پلاکاردی دست بگیرند، رسانه‌هایشان تا روزها از آن یک اعتراض تاریخ‌ساز می‌سازند و الان خفه شده‌اند! هزاران کارگر و کارمند دست از کار کشیده‌اند و خنده‌کنان کنار یکدیگر پاهایشان را در ورودی پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها به زمین کوفته‌اند تا به صفوف‌شان افزوده شود. بی‌تشکل، بی‌سازمان، بی‌رسانه به اعتبار درد و رنجی مشترک و زنجیرهایی که باید گسسته شود، شما کدام سمت تاریخ می‌ایستید؟

«از کانال تلگرام سرخط» •

## اگر یک کارگر پیمانی در پتروشیمی عسلویه یا ماهشهر باشید!

اگر یک کارگر پیمانی در یکی از صنایع نفت و گاز باشید، حقوق‌تان از کارمندان رسمی کم‌تر است. از بسیاری از خدمات بیمه‌ای، مثل بیمه بازنشستگی محروم هستید. زمان مرخصی‌هایتان از پیش توسط پیمانکار مشخص شده است؛ مرخصی‌هایی که به مراتب کم‌تر از کارمندان رسمی است. و از همه مهم‌تر، مدت زمان اشتغال‌تان از پیش توسط کارفرما و پیمانکار مشخص شده است و پس از یک دوره معمولاً یکساله ادامه کار یا بیکارشدن‌تان صرفاً بستگی به نظر نه حتی کارفرمای اصلی، که پیمانکار دارد. قراردادهای پیمانکاری از شمول قانون کار خارج است. پیمانکار در تمام مراحل کار به راحتی می‌تواند از زیر بار بیمه کردن‌تان شانه خالی کند؛ می‌تواند محل کارتان را مدام جابجا کند؛ می‌تواند قرارداد را فسخ کند و در یک کلام می‌تواند حیات شغلی شما را در دست داشته باشد. تمام عواملی که برشمرده شده، باعث می‌شود تا به عنوان یک کارمند یا کارگر پیمانی سطحی از محافظه‌کاری فردی و درخودماندگی را به منظور حفظ شغل و درآمد خود و خانواده‌تان تجربه کنید که امکان هرگونه اعتراض و مطالبه‌گری را از پیش ناممکن و سلب گشته به‌بینید. از سوی دیگر چنان فاصله‌ای بین خود با کارمندان و کارگران رسمی و قرارداد معین (چه از منظر تفاوت در حقوق و مزایا چه از نظر محیط‌های شغلی متفاوت) حس می‌کنید که هرشکلی از هم‌ترازی و همبستگی برای گره‌زدن مطالبات به یکدیگر در نظر اول خیالی و ناممکن به نظر می‌رسد. حال به تمام این‌ها



## «پروتکل الحاقی» یعنی چه، مضمونش کدماست؟

«پروتکل الحاقی» یعنی صورت مجلس مذاکرات سیاسی. ضمناً به متمم قراردادها و عهدنامه‌ها هم «پروتکل» می‌گویند. «الحاقی» هم به معنی پیوست‌دادن، پیوستگی و ملحق شدن است.

در سال ۱۹۹۳ میلادی، آژانس انرژی اتمی، که به مانند اکثر سازمان و نهادهای بین‌المللی، معمولاً تحت نفوذ قدرت‌های جهانی، بویژه آمریکا هستند، برای کنترل و نظارت بر کشورهای که از دید آژانس، بهتر بگوئیم، از دید قدرت‌های هسته‌ای جهان، مظنون به تولید سلاح هسته‌ای باشند، «پروتکل الحاقی» را تدوین و در سال ۱۹۹۷ آنرا به تصویب شورای حکام بین‌المللی آژانس اتمی رساند.

در مهرماه سال ۲۰۰۳، بنا به خواست «رهبر فرزانه»، که تحت فشار شدید خارجی و خصوصاً داخلی بود، با اتخاذ تصمیم «نرمش قهرمانانه»، هیتی را به سرپرستی دلقکی به نام «حسن روحانی» برای خوش رقصی و «جلب توجه» قدرت‌های خارجی روانه کرد، تا این قرارداد را داوطلبانه امضا نمایند! مواد این «پروتکل»، برای کشورهای تحت نظارت و مظنون، به جز نقض حاکمیت ملی و نقض تمامیت ارضی چیز دیگری نبود! چرا؟ برای اینکه طبق این «پروتکل»، آژانس حق دارد هر زمان و در هر مکان و هر کجا را، بی‌خبر و سرزده، که اکثراً جنبه جاسوسی نیز دارد، بدون موافقت حاکمان کشور مفروض، بازرسی نماید!

حاکمان جمهوری اسلامی، احمقانه با امضای این قرارداد به دامی افتادند که حاصلی جز گرفتاری و بدهکاری نداشت و ندارد و از آن زمان پیوسته در پی اثبات بی‌گناهی خود مدام با غرب جلسه می‌گذارند! خود را گرفتار جانورانی نظیر «جو بایدن»، «آنتونی بلینکن» و «رافائل گروسی»، این کارگزاران امپریالیسم آمریکا، نمودند و مرتب قسم حضرت عباس می‌خورند که ما قصد ساخت بمب اتم را نداریم! و «بلینکن» در

پاسخ می‌گوید: «نشانه‌ای از گام برداشتن ایران در رفع تحریم‌ها وجود ندارد» و یا می‌گوید: «حتی در صورت بازگشت ایران به برجام صدها تحریم باقی می‌ماند!».

«بلینکن» با وقاحت تمام صحبت از بازگشت ایران به برجام می‌کند، تو گوئی که این ایران بود که از برجام خارج شد و نه آمریکا!

مردم خوب ایران چنان اسیر حاکمان فرومایه‌ای هستند که در طول حاکمیت‌شان آنچنان فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را آلوده کردند که جنایتکاران بین‌المللی گستاخی را بدانجا برسانند تا برای سرزمین ایران نقشه‌های شوم در سر به‌پروراندند! رژیم مفلوک اسلامی چنان عرصه را بر بخش بزرگی از مردم تنگ نمود که، خصوصاً جوانان ما، خواهان بازگشت آمریکا و رژیم وابسته پهلوی باشند!

متجاوزان بین‌المللی و در رأس آنها امپریالیسم جنگ‌افروز آمریکا، برای دشمنی با ایران بزرگ و قوی، سلاح هسته‌ای را بهانه قراردادده و با سوء استفاده از این فضای غبارآلود، در پی تجزیه کشور ما در آینده هستند!

امپریالیسم آمریکا همچون گرگ پیری، که سرکردگی گله‌اش را تقریباً از دست داده، کماکان دندان‌هایش را نشان می‌دهد و قیافه تهدیدآمیز به خود می‌گیرد. این در حالی است که پوزه‌اش در ویتنام، افغانستان، سوریه و در خود آمریکا و با تسخیر مجلس نمایندگان، به خاک مالیده شد.

باید هشیار بود! اگر شناخت درستی از ماهیت امپریالیسم نداشتیم، همواره آلت دست قرار خواهیم گرفت، چنانچه حاکمان جمهوری اسلامی به دلیل عدم درک درست، هر از گاهی فریب امپریالیست‌ها را می‌خورند و ابلهانه اظهار می‌دارند که به زودی تحریم‌ها برداشته می‌شود، فقط چندتا مشکل فرعی مانده که عنقریب حل خواهد شد! چقدر آدم باید سفیه باشد که باور داشته باشد آمریکا بدون تسلیم بلاشرط ایران در همه زمینه‌ها، تحریم‌ها را برمی‌دارد و نداند که امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها چشم دیدن ایران پهناور و مقتدر را، آنهم در منطقه حساس خاورمیانه و در همسایگی اسرائیل، ندارند و لذا در درازمدت در پی تجزیه کشور ما هستند!

همانگونه که بارها گفتیم، دفاع از حقوق ملت ایران و تمامیت ارضی کشور، ربطی به رژیم‌های حاکم، چه شاه و چه شیخ ندارد.

آنانی که به این شناخت نرسیده‌اند و ندانسته و از سر استیصال مصالح و منافع ملی را فدای براندازی رژیم استبداد جمهوری سرمایه‌داری اسلامی به هر قیمتی می‌کنند، جاهل و نادان هستند و باید با فعالیت صبورانه آنها را از این خواب سنگین و خطرناک بیدار کرد. عده‌ای هم آگاهانه اساساً وقعی به تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی نمی‌گذارند و به ریسمان دشمنان خارجی آویزان شده‌اند و بی‌برو برگرد ضد ایران و ایرانی و حامی و طرفدار امپریالیسم و صهیونیسم هستند و جز این نیست! •

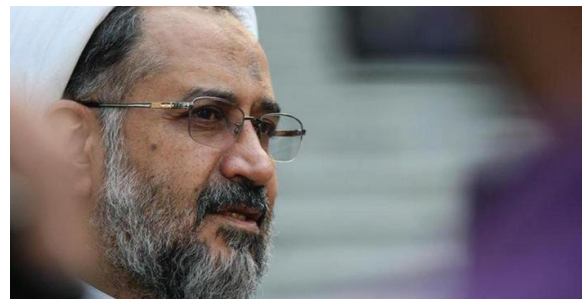
## چند یادداشت کوتاه سیاسی



**«احمدی نژاد» نکات تازه‌ای را اعلام کرد مبنی بر ترور دانشمندان هسته‌ای توسط اسرائیل و سرقت اسناد سازمان فضایی توسط موساد.**

به دنبال افشاگری رئیس پیشین موساد درباره نفوذ اطلاعاتی اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران، «محمود احمدی نژاد» در مصاحبه‌ای ویدئویی گفت: که بالاترین مسئول مقابله با جاسوسان اسرائیل در وزارت اطلاعات، «خودش جاسوس اسرائیل بود». «احمدی نژاد» با اشاره به نفوذ اسرائیل در رده‌های بالای حکومت، به ویژه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی، افزود در همین موضوع «سرقت اسناد سازمان فضایی» هم سناریو نوشتند که سرقت را عادی جلوه بدهند و بگویند گاو صندوق باز نشده و سندی نرفته است تا «عوامل جاسوس محفوظ بمانند و خط نفوذ را حفظ کنند». به گفته او، اگر اسرائیل قادر به انجام عملیات پیچیده در ایران است و مهم‌ترین اسناد هسته‌ای و فضایی را از مراکز حساس می‌رباید، به دلیل همین نفوذ گسترده و حضور شبکه‌ای از عوامل جاسوسی است که معرفی آنها مسکوت مانده است. رژیم‌هایی که بیش‌ترین دغدغه‌اش کنترل و سرکوب مردم باشد، راه نفوذ عوامل صهیونیست و دشمنان خارجی را هموار خواهد ساخت و چنین نیز شده است.

\*\*\*



**سخنان «حیدر مصلحی»، رسوایی شورای نگهبان و تشدید تضادها در بالائی‌ها**

«حیدر مصلحی»، وزیر پیشین اطلاعات ایران، روز یکشنبه

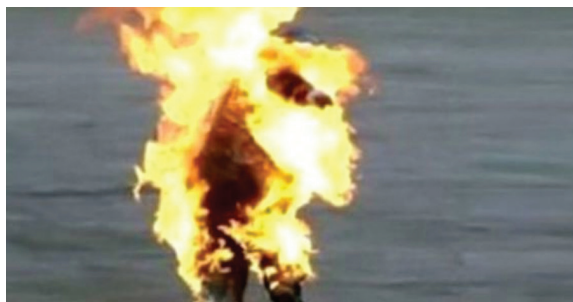
اظهار کرد که: «در شورای نگهبان گفتیم براساس گزارش‌ها از کف خیابان در سال ۹۲ آقای رفسنجانی پیروز انتخابات می‌بود. جمع‌بندی من این بود که با توجه به شرایط نظام، مصلحت این بود ایشان رد صلاحیت شوند». در ادامه واکنش‌ها به سخنان وزیر سابق اطلاعات مبنی بر اینکه با ارائه «هزینه و فایده برای نظام»، شورای نگهبان عامل رد صلاحیت «اکبر هاشمی رفسنجانی» برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ شده است، «محسن هاشمی رفسنجانی» نیز از «علی خامنه‌ای» در مورد عملکرد شورای نگهبان «تظلم خواهی» کرد.

«محسن هاشمی»، رئیس شورای شهر تهران، در نامه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی، که خبرگزاری ایسنا در روز دوشنبه ۲۴ خرداد منتشر کرد، به سخنان پدرش پس از عدم تأیید در شورای نگهبان در سال ۹۲ اشاره کرده است.

بنا به این نامه، «اکبر هاشمی رفسنجانی» گفته بود: «وزیر اطلاعات وقت به شورای نگهبان آمده و توضیحاتی درباره رشد آرایم در نظرسنجی‌ها داده و گفته اگر مرا را تأیید کنند، همه رشته‌های ده ساله پنبه خواهد شد».

چند روز قبل «علی لاریجانی» نیز طی نامه‌ای از شورای نگهبان خواست تا علل رد صلاحیت او را علنی نماید. با نزدیک شدن نمایش انتخابات در ۲۸ خرداد، تضادهای پشت‌پرده نیز تشدید و شکاف بی‌سابقه‌ای در بالائی‌ها ایجاد شده است. یکدست شدن حکومت، که با توسل به یک شبه کودتا علیه حتا نزدیک‌ترین یاران خود صورت گرفته، آخرین تلاش رژیم برای عبور از بحران کنونی است. تمرکز، در بالا، ادامه سیاست‌های نتولیرالی، تشدید استثمار و سرکوب‌های سیاسی مردم و در رأس اش اعتراضات کارگری از جمله وظایف اصلی و عاجل رئیس جمهور جدید، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه است که خود را برای مقابله با شورش‌ها و طغیان‌های احتمالی آینده آماده می‌کنند.

\*\*\*



**خودسوزی سه کارگر مقابل اداره راه و شهرسازی کرمانشاه**

بر پایه گزارش رسیده به «هنگاو»، سه کارگر در روز سه‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۰ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود مقابل اداره راه و شهرسازی کرمانشاه اقدام به خودسوزی کرده‌اند. عدم پرداخت چندین ماه حقوق این کارگران توسط پیمانکاران، به زبان رایج، حقوق‌های معوقه، عدم پرداخت بیمه،

ندیدم وعده‌ای هم به من انتقاد دارند، میگن فلانی اجازه نداده». حالا اینکه چرا «آقا» مصلحت ندانست موشک را با بُرد بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر گسترش دهند، بر ما روشن نیست، اما اگر این ادعا را فقط یک نرمش برای مذاکره آینده با آمریکا در نظر بگیریم، به خطا نرفته‌ایم. این نرمش ادامه سیاست بزدلانه «نرمش قهرمانانه» برای جلب نظر غربی‌ها برای حفظ برجام است. حکومتی که برای بقایش میل به گذشت و امتیازدهی در قبال زورگویی‌های دشمنان خارجی دارد، و زیر برجام‌ها امضا می‌گذارد، حکومتی است که پشت‌اش خالی است، ملت‌اش را دشمن اصلی‌اش می‌داند و از او بیش‌تر از دشمن خارجی می‌ترسد و هرگونه نرمشی را در قبال ملت مرگ خویش می‌بیند. در عوض در مقابل دشمنان خارجی هر نوع نرمش خائنه و گذشتی را برای حفظ نظام فاسد و ارتجاعی‌اش، مجاز می‌داند. تن دادن به پروژه برجام، یکی از این نمونه‌هاست که با اجازه و مصلحت «آقا» صورت گرفته و امروز در بُن‌بست کامل قرار دارد. آمریکا دست‌بردار نیست، خواهان خلع سلاح کامل رژیم است و به عقب‌نشینی‌ها و نرمش‌های کوتاه‌مدت تن نخواهد داد.

\*\*\*



### آدرس عوضی

عکسی از «تجمع شماری از کنشگران عراقی مقابل کاخ سفید، در اعتراض به دخالت ایران در عراق».

این «کنشگران سیاسی»، که در مقابل کاخ سفید تجمع کردند و از آمریکا یاری می‌طلبند، همان کنشگرانی هستند که در سال ۲۰۰۳ میلادی از اشغال عراق استقبال کردند و به دست‌بوسی «جرج بوش» شتافتند و نعره دموکراسی و حقوق بشر در عراق سردادند. این خیانت‌پیشگان امروزی همان مزدوران دیروزی هستند و مخالف خروج آمریکا و برچیدن پایگاه‌های نظامی او از خاک عراق هستند. این خودفروختگان هیچ اعتراضی به حضور ۱۸ هزار کارمند و جاسوس آمریکایی در سفارت غیرممتعارف آمریکا در بغداد ندارند. اعتراضی هم به غارت نفت عراق توسط آمریکا و پرداخت خسارت دولت عراق به دولت آمریکا ندارند! مخالف تصمیم مجلس ملی عراق مبنی بر خروج آمریکا از خاک عراق هستند. علی‌رغم این اما به سراغ ایران می‌روند، تو گویی دولت ایران دشمن عمده مردم عراق است، نه آمریکا، تو گویی این سفارت ایران است که ۱۸ هزار پرسنل در بغداد دارد، تو گویی این ایران است که

اخراج، قراردادهای کوتاه‌مدت، شرایط کاری طاقت‌فرسا و چندین دلیل دیگر سبب وخیم‌تر شدن وضعیت کارگران شده، سرانجام منجر به اعتراض و خودسوزی این کارگران شده است. هنوز از وضعیت جسمانی این سه کارگر اطلاع دقیقی در دست نیست. امروز مبارزه برای دریافت حقوق معوقه، اضافه دستمزد، بیمه بیکاری، بهبود محیط کار، مخالفت با خصوصی‌سازی‌ها، امنیت شغلی و حق قانونی تشکیل سندیکای مستقل از جمله مطالبات روز و عاجلی هستند که کارگران می‌توانند متحداً حول آنها متشکل شوند و بخشی از حقوق‌شان را از حلقوم سرمایه‌داران بی‌وجدان، که جان همه زحمتکشان را به لب رسانده‌اند، بیرون کشند.

روشن است خودسوزی/خودکشی این کارگران نتیجه فقر و فلاکت و زورگویی‌های سرمایه‌داری است که چنین شرایط غیرانسانی را به آنها و سایر کارگران تحمیل کرده است. کارگری که ماه‌ها حقوق دریافت نمی‌کند و کمرش در زیر بار زندگی خم شده است، در قامت هیچ نوشته‌ای توصیف کردنی نیست. اما در هر حال راه چاره این درد خودسوزی نیست. کارگران و همه زحمتکشان برای رهایی از این جهنمی، که نظام سرمایه‌داری آفریده است، جز مقاومت و مبارزه متحد و متشکل نیست. همه کارگران ایران دارای سرنوشت یکسانی هستند و در زیر فشار سرکوب و بی‌عدالتی حاکم به‌سرمی‌برند. مقاومت، مبارزه و اعتراض حق طبیعی همه کارگران است. لیکن این مبارزه و مقاومت، اگرچه لازم و ضروری است، اما کافی نیست. کارگران به تشکیلات واحد صنفی مستقل نیاز دارند و باید بکوشند، علی‌رغم همه موانع موجود، متشکل شوند. آنجا که کارگران متحد و متشکل در مقابل کارفرما ایستادند، موفقیت‌هایی کسب کردند و آنجا که پراکنده و بدون تشکیلات بودند، اعتراضات‌شان به‌جایی نرسیده است. چاره کارگران وحدت و تشکیلات است!

\*\*\*



### لافزنی رهبر و موشک با بُرد ۲۰۰۰ کیلومتری

«سید علی خامنه‌ای»، رهبر جمهوری اسلامی در نشست اخیر خود با زیردستان نظام می‌گوید: «از ساخت موشک با بُرد بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر جلوگیری کردم» در پاسخ به پرسش یکی از حاضرین در مورد علت این امر می‌گوید «من فعلاً صلاح



## جنگ علیه مردم فلسطین را محکوم می‌کنیم!

کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست  
- لنینیست

بیش از ده روز است که مردم فلسطین در معرض یکی از مرگ‌بارترین حملات قرار گرفته‌اند. به مناسبت بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد اشغال قدس شرقی است که گله‌های وحشی صهیونیست با پشتیبانی ارتش اشغالگر، در آخرین تلاش برای اخراج فلسطینیان مقیم این شهر از خانه‌ها و سرزمین‌های خود به آنها حمله کردند. این آخرین سنگر مقاومت، محله شیخ جراح در مجاورت اماکن مقدس اسلامی و مسیحی این شهر است که هدف این حملات قرار گرفته است. این کارزار جدید پاکسازی قومی با هدف یهودی‌سازی شهر و الحاق نهایی آن به اسرائیل صهیونیستی است. همزمان، گسترش بی‌سابقه شهرک‌های یهودی‌نشین در سایر مناطق بیت‌المقدس شرقی و کل کرانه باختری رود اردن و تحت نگاه موافقت‌آمیز کشورهای امپریالیستی و نهادهای سازمان ملل متحد ادامه دارد. به محض شروع این حملات جنایتکارانه باندهای صهیونیست - فاشیست شهرک‌نشین، ماشین جنگی رژیم صهیونیستی بکار افتاد که طبق معمول مردم غیرنظامی از سالمندان تا کودکان و مردان و زنان را مورد هدف قرار داد، یک نسل‌کشی واقعی و تخریب گسترده در تمام سرزمین‌های اشغالی. هدف صهیونیست‌ها به‌اجبار کشاندن فلسطینی‌ها در ترک سرزمین اجدادی‌شان است، تا به صفوف شش میلیون فلسطینی پناهنده در کشورهای همسایه و پراکنده و سرگردان به‌پیوندند. اینها جنایات واقعی علیه بشریت است که علیه مردم فلسطین صورت می‌گیرد. باید کل جامعه مترقی جهان و همچنین مردان و زنان دوستدار صلح و عدالت را دعوت نمود تا از این مردمی، که به تنهایی درگیر با ماشین جنگی صهیونیستی و برنامه‌های امپریالیستی (از جمله «معامله قرن» آمریکا، که هدف آن حفظ کنترل امپریالیستی منطقه و ثروت آن است) حمایت نمایند.

کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست در حالی که جنگ علیه مردم فلسطین را به شدت محکوم می‌کند، طبقه کارگر جهانی، احزاب و سازمان‌های توده‌ای، همه ملل جهان را مورد خطاب قرار داده تا در برابر وحشی‌گری صهیونیست‌ها بایستند و خواستار پایان فوری این جنگ شوند و حمایت خود را از هدف عادلانه مبارزه مردم فلسطین ابراز دارند.

کمیته هماهنگی کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست

<http://cipoml.net/en/?p288=>

۱۴ ماه مه ۲۰۲۱

ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان)

دارای چندین پایگاه نظامی در خاک عراق است و نفت عراق را غارت و از دولت عراق خسارت مالی دریافت می‌کند! هیچ دولتی از جمله ایران حق مداخله در امور داخلی عراق را ندارد، باید بر حق حاکمیت ملی عراق و تمامیت ارضی این کشور احترام بگذارند، اما یک چیز روشن است، آمریکا دشمن شماره یک عراق است و باید بی‌قید و شرط و با پرداخت خسارت خاک این کشور را ترک نماید. نیروهایی که آدرس عوضی می‌دهند، نوکران آمریکا برای ادامه اسارت ملت عراق در بند امپریالیسم آمریکا هستند.

\*\*\*



### واکسن خارجی ایرادی ندارد

«سید علی خامنه‌ای»، رهبر جمهوری اسلامی، پس از دریافت اولین دوز واکسن ایرانی «برکت» اظهار داشت: «وارد کردن واکسن خارجی ایرادی ندارد» این در حالی است که وی در دیماه سال گذشته، واردات واکسن‌های آمریکایی و انگلیسی کرونا به ایران را ممنوع اعلام کرد و به حواریونش این طور القا کرد که واکسن آمریکایی، واکسنی برای موش آزمایشگاهی بدل کردن ملت‌های فقیر و نابودی آنهاست و من بدان مشکوکم! در روزهای گذشته، گزارش‌های متعددی درباره ابهامات در روند تولید و همچنین ایرادات مقاله علمی مرتبط با واکسن کرونای برکت منتشر شده است و «فرید نجفی»، معاون پژوهش وزارت بهداشت، نیز نسبت به صدور زود هنگام مجوز اضطراری تزریق واکسن‌های ایرانی کرونا هشدار داده است.

روند واکسیناسیون در ایران به شدت کند و حلزونی پیش می‌رود. ایران حدود ۸۳ میلیون نفر جمعیت دارد و برای واکسیناسیون جمعیت کل کشور به ۱۶۰ میلیون دوز و برای واکسیناسیون گروه‌های در معرض خطر حداقل به ۱۰۰ میلیون دز واکسن نیاز است. این در حالی است که تاکنون مجموع واکسن‌های تزریق شده در دوز اول و دوم به ۵ میلیون و ۴۸۱ هزار و ۶۶۹ دُز رسیده است.

«سعید نمکی»، وزیر بهداشت ایران، وعده داده است که تا پایان مرداد «گروه‌های آسیب‌پذیر، بیماران صعب‌العلاج و افراد بالای ۶۰ سال واکسن دریافت» کنند.

با توجه به این همه بی‌تدبیری، دروغ‌گویی و تناقض‌گویی بی‌دلیل نیست که ملت هیچ اعتمادی به سخنان و وعده‌های سران حکومتی ندارد.



## بایکوت اسرائیل توسط کارگران - پیلز دیس پچ

سکوت اتحادیه‌های مستقل کارگری ایران در قبال بمباران غزه به چه معناست؟

اتحادیه‌های بزرگ کارگری در کشورهای جهان از جمله در آمریکا، اسپانیا، استرالیا، آفریقای جنوبی حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل به غزه را محکوم کردند و با خلق فلسطین ابراز همبستگی نمودند.

در آمریکا شبکه «ان بی سی» آمریکا اعلام کرد: حدود هزار تظاهرکننده موفق به واداشتن کشتی اسرائیلی به دور شدن از بندر شدند. این موضوع پس از آن روی داد که سندیکای کارگران بندرهای آمریکا در سطح زیادی با حامیان فلسطین اعلام همبستگی کرده بودند. شبکه «ان بی سی» آمریکا به نقل از رئیس این سندیکا، اعلام کرد که کارگران تصمیم به بستن اسکله گرفته‌اند. چندین اتحادیه کارگری آمریکایی پیش از این اعلام کرده بودند که فعالیت‌های اعتراضی در سه بندر نیویورک، کالیفرنیا و اوکلند براه خواهند انداخت، تا جلوی تخلیه کشتی‌های اسرائیلی را در بندر آمریکایی بگیرند.

در اسپانیا «جبهه متحد چپ اسپانیا»، «کمیسیون‌های کارگری» و «اتحادیه عمومی کارگران» حملات اسرائیل به غزه را قویاً محکوم کردند و با انتشار بیانیه‌ای همبستگی خود را با مردم فلسطین ابراز داشتند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

«ما، کمیسیون‌های کارگری اسپانیا، اتحادیه عمومی کارگران اسپانیا سرکوب مردم غیرنظامی فلسطین و نابود کردن زیرساخت‌های شهری آنان را توسط دولت اسرائیل محکوم می‌کنیم و خواهان قطع بلافاصله این حملات هستیم. همچنین خواهان آن هستیم که با اجرای سیاست‌های هدفمند به اشغال سرزمین‌های فلسطین، محاصره غزه و اعمال سیاست‌های

تبعیض‌آمیز علیه مردم فلسطین برای همیشه پایان داده شود. می‌باید با بکارگرفتن همه‌جانبه حقوق بین‌الملل و اعمال فشارهای سیاسی و اجتماعی بر دولت اسرائیل، اجرای تمامی قطعنامه‌های مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد ضمانت اجرایی بیابند. در آفریقای جنوبی «اتحادیه کارگران متحد و حمل و نقل آفریقای جنوبی» (SATAWU) در همبستگی با مردم فلسطین و در اعتراض به بمباران غزه توسط اسرائیل، از تخلیه بار کشتی اسرائیلی، که روز ۲۰ ماه مه (۳۰ اردیبهشت) لنگر انداخته بود، اجتناب ورزیدند. این کارگران تحت رهبری اتحادیه کارگران حمل و نقل آفریقای جنوبی قرار دارند»

در بسیاری از کشورهای جهان اتحادیه‌های کارگری در اشکال مختلف بمباران غزه را محکوم و با خلق فلسطین ابراز همبستگی نمودند، اما آنچه مایه تأسف است، اتحادیه‌های مستقل کارگری ایران در برابر جنایات اخیر اسرائیل در فلسطین اشغالی سکوت اختیار کردند. این سکوت دارای هر دلیل و انگیزه‌ای که باشد، به معنای خاموش بودن در مقابل تبانی با جنایت جنگی با رژیم است که سرزمین فلسطین را اشغال و بیش از هفتاد سال است که به کودک‌کشی، کارگرکشی، تاراندن میلیون‌ها مردم از سرزمین مادری و سلاخی یک ملت و امحاء فیزیکی آن مشغول است. سکوت در قبال نسلی کشتی و کودک‌کشی و بمباران غزه، که منجر به ۲۸۰ کشته، که ۶۴ تن از آنها کودک هستند و هزاران زخمی برجای گذاشته است، سکوت در قبال نقض آشکار حقوق بشر است و نمی‌تواند یک «گزینه کارگری» و توجیه‌پذیر باشد. اگر استدلال اتحادیه‌های مستقل کارگری ایران این باشد، از آنجا که زیر سایه سرکوب و خفقان رژیمی برای معیشت خود به مبارزه مشغول‌اند و رژیم نیز خود را مدافع مردم فلسطین دانسته و بمباران غزه را محکوم می‌کند و در نتیجه اعلام مواضع در همبستگی با خلق فلسطین و محکوم کردن اسرائیل مورد سوء استفاده او قرار می‌گیرد، به هیچ‌وجه قابل توجیه نیست. سکوت در قبال توحش و بربریت صهیونیستی و قتل‌عام ملت فلسطین، تحت هیچ شرایطی، گزینه انسانی، کارگری و متمدانانه‌ای نیست

بنادر آفریقای جنوبی خدمتی دریافت کند».

«دلامینی» با طرح این موضوع، که اسرائیل یک ناقض همیشگی آتش‌بس‌ها است، گفت: بایکوت کشتی‌های اسرائیلی تا زمان رسیدن به «آخرین راه حل»، که حقوق شناخته شده فلسطینی‌ها در سطح بین‌المللی را محترم بشمارد، ادامه خواهد یافت. تا آن زمان این اتحادیه قصد دارد دولت آفریقای جنوبی را برای انتشار «یک دستورالعمل به تمام دواير بنادر برای ممانعت از لنگر انداختن کشتی‌های اسرائیلی در بنادر آفریقای جنوبی» زیر فشار قرار دهد.

«دلامینی» می‌گوید: «رهایی کامل مردم فلسطین! و گرنه کشتی‌های اسرائیلی در بنادر ما دچار مشکلات فزاینده خواهند شد.» او ادامه داد، نه تنها کشتی‌های اسرائیلی، بلکه تمام کشتی‌هایی که حامل بار به یا از اسرائیل باشند هدف قرار خواهند گرفت و این اتحادیه به شکل حرفه‌ای به یافتن مسیر مجموعه شبکه حمل‌ونقل جهانی به قصد شناسایی این کشتی‌ها کمک خواهد کرد. «اسرائیل باید این را بداند، که در صورت ادامه اشغالگری، دسترسی به بازار آفریقای جنوبی را از دست خواهد داد».

دولت آفریقای جنوبی رسماً تجاوز اسرائیل را محکوم کرده است و همراه با اتحادیه آفریقا همبستگی خود را با فلسطین تکرار کرده است. «پرزیدنت کریل راموفوسا» در صحبت‌های هفتگی خود گفت: تا زمان پایان دادن «به تمام عوامل ریشه‌ای یک مناقشه... و در این مورد، اشغال غیرقانونی سرزمین فلسطین توسط اسرائیل، هرگز صلحی وجود نخواهد داشت». «راموفوسا» در ادامه حتی با مقایسه درد و رنج مردم فلسطین با سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی در رژیم آپارتاید «نادیده گرفتن تمامی قطعنامه‌های پی‌درپی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پایان دادن به اشغال سرزمین فلسطین» توسط اسرائیل را محکوم کرد. با این وجود «دلامینی» معتقد است، تنها محکوم کردن زبانی کافی نیست و الان زمان آن فرا رسیده تا به اشغالگری اسرائیل و سبعیت آن توسط جامعه جهانی، به ویژه توسط آفریقای جنوبی با توجه به تجربه تاریخی خود، هزینه‌ای تحمیل کرد.

تحریم توسط کارگران بندر

رهبران اتحادیه کارگران حمله نقل بعد از اتخاذ تصمیم برای عمل، روز ۱۸ ماه مه / ۲۸ اردیبهشت در یک پیام عمومی اعلام کردند، «به اطلاع شما می‌رسانیم که یک محموله از اسرائیل آپارتاید در ساحل بندر دوربان آفریقای جنوبی لنگر خواهد انداخت. به عنوان مدرسه مبارزه طبقاتی، که مقر آن صنعت حمل‌ونقل بوده، اتحادیه کارگران حمل‌ونقل آفریقای جنوبی همه اعضای خود را فرا می‌خواند تا تحریم‌های مستمری را علیه این کمپانی‌های حمل‌ونقل به اجرا بگذارند و برای نشان دادن همبستگی خود با ستم‌دیدگان هنگام ناهار تجمع نمایند».

این پیام می‌افزاید، سیاست اسرائیل مبنی بر «تصرف اراضی، حمله به اماکن مقدس، اعمال محدودیت برای جابجایی کالاها و مردم» در فلسطین اشغالی «یادآور چگونگی عقب‌نگه‌داشتن قاره آفریقا به طور اعم، و آفریقا جنوبی به طور اخص توسط اروپا» است. «بنابراین، اعمال اسرائیل آپارتاید باید با مقاومتی

و نمی‌تواند باشد. دشمنی با رژیم سرکوب‌گر جمهوری اسلامی نمی‌تواند به سکوت در قبال سلاخی مردم غزه توجه گردد و با بالانداختن شانه‌ها و اینکه رژیم «از گروه خاصی حمایت می‌کند و در نتیجه همبستگی با مردم فلسطین به ما مربوط نیست»، نشانه عدم درک صحیح از مبارزه سیاسی و فقدان آگاهی و دانش کافی در مورد ماهیت امپریالیسم و صهیونیسم و اهداف استراتژیک آنها در منطقه و جهان است. مستقل بودن از رژیم به معنای این نیست که هرچه رژیم بگوید، ما عکس آن را بگوئیم! مبارزه سیاسی با لجبازی و انتقام‌گیری شخصی منافات دارد، سیاست خردمندانه‌ای نیست و در شأن اتحادیه‌های آگاه کارگری نمی‌باشد. اتحادیه‌های مستقل کارگری در کادر همبستگی و برادری می‌توانند و باید مستقل از اینکه رژیم سیاسی حاکم چه می‌گوید، خود رأساً در قبال نسل‌کشی و قتل عام ملت فلسطین و سایر خلق‌ها و کارگران جهان اعلام موضع نمایند و با آنها ابراز همبستگی کنند.

امید که اتحادیه‌های مستقل کارگری ایران با بازنگری مجدد در مورد بمباران ده روزه غزه و کشتار مردم بی‌گناه به اصلاح نظرات نادرست خود بپردازند و همانند اتحادیه‌های کارگری سایر کشورها ضمن محکوم کردن رژیم متجاوز اسرائیل، همبستگی با خلق فلسطین را از وظایف انسانی و کارگری خود بشمار آورند و پیش‌تاز مبارزه دموکراتیک، حقوق بشر و همبستگی در عرصه داخلی و بین‌المللی باشند.

هئیت تحریریه توفان الکترونیکی

دردزیر ترجمه مطلبی از «اتحادیه کارگران متحد و حمل‌ونقل آفریقای جنوبی» در همبستگی با مردم فلسطین و محکومیت بمباران غزه توسط اسرائیل از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

\*\*\*

«اتحادیه کارگران متحد و حمل‌ونقل آفریقای جنوبی» (SATAWU):

تمام کشتی‌هایی که حامل بار به یا از اسرائیل باشند توسط کارکنان بندر بایکوت خواهند شد.

کارگران «بندر دوربان» در آفریقای جنوبی، در همبستگی با مردم فلسطین و در اعتراض به بمباران غزه توسط اسرائیل، از تخلیه بار کشتی اسرائیلی، که روز ۲۰ ماه مه (۳۰ اردیبهشت) لنگر انداخته بود، اجتناب ورزیدند. این کارگران تحت رهبری اتحادیه کارگران حمل‌ونقل آفریقای جنوبی قرار دارند.

اعضای اتحادیه در مقابل هر تلاشی از طرف کارفرما برای خنثی کردن این عمل آنها با آوردن کارگران دیگر برای ارائه سرویس به کشتی اسرائیلی «زیم شانگهای» هشیار هستند. این کشتی در مالکیت «خطوط زیم»، شرکت دولتی اسرائیلی حمل‌ونقل به عنوان دهمین شرکت بزرگ حمل‌ونقل آبی در جهان است. «تولانی دلامینی»، هماهنگ‌کننده بخش ملی دریایی اتحادیه کارگران حمل‌ونقل گفت: «بایکوت این کشتی یک اعتراض برای یکبار نیست، بلکه این آغاز سلسله فعالیت کارگری با هدف تضمین آن است که هیچ کشتی اسرائیلی نتواند در هیچیک از

## برای سیاوش کوچک

نه به خاطر آفتاب نه به خاطر حماسه  
 به خاطر سایه‌ی بام کوچکش  
 به خاطر ترانه‌ی  
 کوچک‌تر از دست‌های تو  
 نه به خاطر جنگل‌ها نه به خاطر دریا  
 به خاطر یک برگ  
 به خاطر یک قطره  
 روشن‌تر از چشم‌های تو  
 نه به خاطر دیوارها - به خاطر یک چپر  
 نه به خاطر همه انسان‌ها - به خاطر نوزاد دشمن‌اش شاید  
 نه به خاطر دنیا - به خاطر خانه‌ی تو  
 به خاطر یقین کوچکت  
 که انسان دنیایی ست  
 به خاطر آرزوی یک لحظه‌ی من که پیش تو باشم  
 به خاطر دست‌های کوچکت در دست‌های بزرگ من  
 و لب‌های بزرگ من  
 بر گونه‌های بی‌گناه تو  
 به خاطر پرستویی در باد، هنگامی که تو هلله می‌کنی  
 به خاطر شبنمی بر برگ، هنگامی که تو خفته‌ای  
 به خاطر یک لبخند  
 هنگامی که مرا در کنار خود ببینی  
 به خاطر یک سرود  
 به خاطر یک قصه در سردترین شب‌ها تاریک‌ترین شب‌ها  
 به خاطر عروسک‌های تو، نه به خاطر انسان‌های بزرگ  
 به خاطر سنگ‌فرشی که مرا به تو می‌رساند، نه به خاطر شاه‌راه‌های  
 دوردست  
 به خاطر ناودان، هنگامی که می‌بارد  
 به خاطر کندوها و زنبورهای کوچک  
 به خاطر جار سپید ابر در آسمان بزرگ آرام  
 به خاطر تو  
 به خاطر هر چیز کوچک هر چیز پاک به خاک افتادند  
 به یاد آر  
 عموهایت را می‌گویم  
 از \*مرتضا سخن می‌گویم.

سال ۱۳۳۴

#احمد شاملو

پی‌نوشت شاعر:

«این شعر، خطاب به پسر من که در آن هنگام هشت ساله بود، در اعدام مبارزان عموماً و مرتضا کیوان خصوصاً نوشته شد. مرتضا نزدیک‌ترین دوست من بود. انسانی والا با خلقیاتی کم‌نظیر و هوشمندی شگفت‌انگیز. قتل نابهنگامش هرگز برای من کهنه نشد و حتی اکنون که این سطور را می‌نویسم (دوم مرداد ۱۳۵۷) پس از ۳۵ سال هنوز غمش چنان در دلم تازه است که انگار خبرش را دمی پیش شنیده‌ام.»

\*مرتضی کیوان

مرتضی کیوان (۱۳۰۰ خورشیدی اصفهان - ۲۷ مهر ۱۳۳۳ تهران) شاعر کمونیست، منتقد هنری، روزنامه‌نگار که پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در حالی که سه تن از نظامیان فراری سازمان نظامی حزب توده ایران را در خانه خود پنهان کرده بود، دستگیر و به جرم کمونیست بودن و عدالتخواهی در ۲۷ مهر ۱۳۳۳، در زندان قصر توسط جلادان نظام شاهنشاهی تیرباران شد. یادش گرامی!

نقل از کانال تلگرام توفان •

درخور و محکومیت آنکه جزء لاینفک جنبش ضد آپارتاید است، روبرو شود.»

اتحادیه برای حمایت از کارگران برای رفتار با انضباط‌تر، درباره این اعتصاب، طبق قانون کار، به کارفرما پیش‌تر اطلاع داده بود. به گفته «دلامینی»، باوجود این اطلاعات، شرکت دولتی «ترنسنت»، که بنادر آفریقای جنوبی را مدیریت می‌کند، مراحل کنترل ایمنی کووید - ۱۹ را، که باید در کشتی انجام شود، زودتر از وقت پیش‌بینی شده به سرعت انجام داده و آن را آماده تخلیه کرده بود. کارگرانی که از این تصمیم آگاه نبودند و پیش از آنکه متوجه شوند که آن کشتی «زیم شانگهای» است، شروع به تخلیه بارش کردند. اما بلافاصله بعد از اطلاع، کار را متوقف کردند.

همه اتحادیه‌های کارگری در جنبش باهم متحدند

روز بعد، اعضای دیگر اتحادیه‌ها، که از شعب اتحادیه‌های کارگری کنگره آفریقای جنوبی (COSATU)، بزرگ‌ترین فدراسیون اتحادیه‌ای کشور، به این حرکت پیوستند. این اتحادیه گرچه متحد قدیمی کنگره ملی آفریقا در حاکمیت است، اما نسبت به چگونگی مدیریت ریزش اقتصادی ناشی از کووید - ۱۹ که به طور نامتناسبی بر طبقه کارگر تحمیل شده است، انتقاد دارد.

همچنین اتحادیه‌های جناح چپ مرتبط با فدراسیون اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی (SAFTU)، هم روز ۲۱ ماه مه به اعتصاب پیوستند. این اتحادیه دومین فدراسیون بزرگ اتحادیه‌های کارگری است که از جمله بزرگ‌ترین اتحادیه‌های تک حرفه‌ای کشور مانند اتحادیه فلزکاران آفریقای جنوبی را در خود دارد. این اتحادیه در سال ۲۰۱۳، بعد از قطع پشتیبانی از کنگره آفریقای جنوبی از اتحادیه کارگری کنگره آفریقای جنوبی جدا شد. آنها سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال کنگره ملی آفریقا را، که موجب افزایش سطح نابرابری شده است - یکی از بدترین‌ها در جهان - به عنوان میراث باقیمانده از رژیم سرنگون‌شده آپارتاید در دهه ۱۹۹۰، مورد انتقاد قرار دادند. «دلامینی» گفت: «ما در جنبش اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی درباره برخی مسایل اختلاف نظر داریم، اما سر موضوع اشغال فلسطین، همگی متحد هستیم. آخرین باری که در آفریقای جنوبی ما به عنوان یک نیروی متحد دورهم جمع شدیم، رژیم آپارتاید را پایین کشیدیم. حالا بار دیگر ما داریم گردهم می‌آیم تا به حاکمیت آپارتاید بر فلسطین اشغالی پایان بدهیم.»

پاوان کولکرنی

پیپلز دیس پیج، ۲۴ ماه مه ۲۰۲۱ / سوم خرداد ۱۴۰۰

برگردان: آزاده عسگری

برگرفته از کانال تلگرام مجله هفته

تکلیف کرده و با کمک باران استراتژیک خود در اتحادیه اروپا، همچون انگلیس، فرانسه و آلمان، رئیس جمهور و دولت تعیین می‌کند و در این راستا و با گستاخی تمام کشور ما را هم مورد تحریم حداکثری و در محاصره اقتصادی و نظامی با بیش از بیست پایگاه نظامی در پیرامون مرزهای ایران قرار می‌دهد. در این راستا عملکرد ضدایرانی و ضد مردمی جمهوری اسلامی نیز، بستر مناسبی برای دشمنان مُلک و ملت ما فراهم کرده و می‌کند. امپریالیسم امریکا از بعد از جنگ جهانی دوم به این سوی حداقل از ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۳ بیش از ۴۰ دولت خارجی - دولت مصدق و آئنده در شیلی - و بمباران ۲۵ کشور در جهان - از ژاپن گرفته تا کره، ویتنام، تا یوگسلاوی، عراق، لیبی، افغانستان، سودان، سومالی و غیره اقدام به سرنگونی کرده است. در این عملیات تجاوزکارانه حدود ۳۰ میلیون انسان بی‌گناه، فقط در خاورمیانه و شمال آفریقا، کشتار شدند و میلیون‌ها انسان دیگر آواره و بی‌خانمان و به زندگی پر از رنج و نومیدی دچار گردیده‌اند. این واقعیتی است که ما در دنیای کنونی و در منطقه با آن روبرو هستیم. این امپریالیسم آمریکاست که ایران را محاصره اقتصادی، سیاسی و نظامی کرده و با قلدری هرگونه ارتباط اقتصادی و خرید و فروش نفت و معاملات بانکی را با ممالک دیگر منع نموده است و برای خرابکاری، چمدان‌های پول در خارج میان اپوزیسیون خود فروخته پخش می‌کند، تا شب و روز در کانال‌های ماهواره‌ای‌شان کشور ما را تهدید و افکار عمومی را برای «دوستی» با غرب و آمریکا آماده و در ایران رژیم و وابسته و سرسپرده، همانند رژیم پهلوی، بر سر کار آورند. در این کارزار تبلیغاتی جمهوری سرمایه‌داری اسلامی با افکار ارتجاعی و عقب مانده، با سرکوب خشن و وحشیانه، با فساد، دروغ و دزدی، با تورم، فقر و بیکاری، با واردات کالاهای خارجی و ورشکستگی اقتصادی، با نابودی و تخریب محیط زیست، با کم آبی و خشکسالی و نیز ورشکستگی و با به اصطلاح انتخابات مسخره خود آب به آسباب دشمن می‌ریزد و بهانه به دست دشمنان غدار ایران می‌دهد. جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ابلهانه فکرمی‌کند که دوران خلافت عباسی است و لذا با دستگیری، زندان، شکنجه، اعدام و سرکوب خشن، می‌تواند چندین قرن حکومت کند! رژیم اسلامی با تکیه به افکار و آموزه‌های ناهمگون و پُر از تناقض حدیث و روایت هزارساله و از رده خارج شده خود دست‌وپای مذبوحانه می‌زند و ۴۲ سال جز تیره ساختن قلوب مردم حاصلی بیار نیآورده و هنوز «خوشدل در این خیال که اکسیرمی‌کند»!

در این مدت حاکمیت ۴۲ ساله آخوندها و ملاها بیش‌ترین فشار و فقر روی کرده کارگران و زحمتکشان بوده است. دیر نیست که طبقه کارگر با تشکیلات و حزب راستین و طراز نوین خویش طومار جنایتکاران داخلی و خارجی را درنوردد. چنین باد!



## نگاهی کوتاه به سیاست‌های خارجی چین و امپریالیسم آمریکا

اگر بخواهیم صادقانه به مسائل ملی و بین‌المللی در بیش از نیم قرن اخیر نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که این کشور چین نیست که تمامیت ارضی، حق حاکمیت ملی و حقوق کشورهای دیگر را، از جمله کشور ما ایران را تهدید می‌کند و با زبان نژادپرستان و زورگویان با جهان صحبت می‌نماید. حکومت چین در حرف «سوسیالیسم» و در عمل امپریالیسم است. به نظر چنین می‌آید که «سوسیال امپریالیسم» چین، سیاست تعاون و «همزیستی مسالمت‌آمیز» را برای منافع درازمدت خود برتر از تشنج و درگیری با جهان امروز در دستور کار خود قرارداده است! به سخن دیگر، چین را نمی‌توان بمانند امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان و ژاپن دشمن بالفعل دولت و ملت‌های دنیا نامید! می‌توان گفت که امپریالیسم چین از طریق صدور سرمایه مالی، تکنولوژی و واردات مواد خام سایر کشورها، در پی کسب سود هر چه بیش‌تر است و در این سیاست راهبردی‌اش در شرایط کنونی به دنبال جنگ و حمله نظامی نیست.

درست عکس آن صادق است؛ این امپریالیست‌های «دنیای آزاد غرب» و در رأس آنها، امپریالیسم تبهکار و جنگ‌افروز آمریکاست، که به خود اجازه می‌دهد سایر ملل را تحقیر کند. قلدرمآبانه در امور کشورهای جهان دخالت می‌کند و از طریق اهرم‌های مافیایی و قدرت دلار، با توطئه، خرابکاری، تهدید، فشارهای بین‌المللی، کودتا و جنگ برای سایر کشورها تعیین



## در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات و اعتراضات کارگری خرداد ماه ۱۴۰۰

در اردیبهشت ماه و ابتدای خرداد، جمعیت زیر خط فقر به گفته مسئولان رانت‌خوار و فاسد دولتی دو برابر شده و به ۲۵ میلیون نفر، و حداقل سید معیشت به رقم ۱۴ میلیون تومان رسید. و این در حالی است که حداقل حقوق رسمی حدود یک پنجم این مبلغ است و آمار واقعی، وضعیتی وحشتناک‌تر را در مقابل دیدگان ما قرار می‌دهد. زنان، کودکان و حتی مردانی هستند که با حقوقی کم‌تر از یک میلیون تومان به کار گرفته شده‌اند و استثماری باورنکردنی را متحمل می‌شوند و رسیدن به خط فقر برایشان نامحتمل به نظر می‌رسد. و حتی کسانی با حقوق بالاتر از این نیز در شرایطی زندگی می‌کنند که متأسفانه گاهی ادامه زندگی را تاب نمی‌آورند و به جای مبارزه علیه بانیان این وضعیت، به خودکشی و خودسوزی روی می‌آورند.

حقوق معوقه، عدم پرداخت بیمه، اخراج، قراردادهای کوتاه‌مدت، شرایط کاری طاقت‌فرسا و چندین دلیل دیگر سبب وخیم‌تر شدن وضعیت کارگران دائم و موقت شده است. سال‌هاست که شاهد وخیم‌تر شدن وضعیت فرودستان هستیم. در سیرک‌های انتخاباتی سعی در فریب کارگران و زحمتکشان دارند و هزاران سخن در باب بهتر کردن وضع فرودستان به زبان می‌آورند؛ وضعی که خود مسبب‌اش بوده‌اند و خیالی برای پایان دادنش ندارند. برای پایان دادن به این وضعیت نابسامان وحشتناک تنها یک راه وجود دارد و آن هم مبارزه کارگران و زحمتکشان تحت رهبری تشکلات صنفی و سیاسی واحد و سراسری به دست طبقه کارگر است. امپریالیسم و ارتجاع همچون دو گروه از کفتارهای وحشی برای دریدن و نابودی کارگران و زحمتکشان بی‌شمارانه تلاش می‌کنند. اگرچه این جانوران وحشی برای تصاحب ثروت تولید شده و مواد طبیعی و ملی کارگران و زحمتکشان ایران، با یکدیگر به جنگ و نزاع می‌پردازند، ولی هر دو گروه علیه طبقه کارگر و متحدانش به نبردی ناجوانمردانه مشغول‌اند. و در همان حال کارگران و زحمتکشان با طرد امپریالیست‌ها و مزدوران

رنگارنگ چپ و راست وطنی و غیروطنی جیره‌خوارشان علیه سیاست نتولیبرالی، تحریم، فریب و نیرنگ و زورگویی آنان، راست قامت و استوار در میدان نبرد ایستاده و به مبارزه بی‌امان مشغول‌اند و از طرف دیگر با طرد جناح‌های راست و چپ نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی، «اصلاح طلب و اصولگرا»، به تحریم فعالانه انتصابات خردادماه پرداخته و با حضور در صحنه مبارزات صنفی و سیاسی لرزه بر اندام نظام «مقدس» و متولیان فریبکار و طماع آن انداخته‌اند. در خردادماه علاوه بر پیروزی و در صدر قرار گرفتن زحمتکشان در تحریم انتخابات، کارگران صنعت نفت نیز به صحنه نبرد وارد شدند و وحشت مرگ را برای حکومت گران فاسد و ضد مردمی به ارمغان آوردند. در خرداد ماه مبارزه بی‌امان طبقه کارگر ادامه یافت که در ذیل به بخشی از این وقایع مبارزاتی نگاهی می‌اندازیم.

\*\*\*

### اخبار سرکوب و مبارزه

#### ۴ خرداد

«هیراد پیر بداغی» از حامیان حقوق کارگر، که در مراجعه به پلیس امنیت برای گرفتن وسایل خود بازداشت شده بود، از زندان اوین آزاد شد. سندیکای کارگران شرکت واحد، ضمن محکوم کردن برخوردهای امنیتی و پلیسی با کارگران و بازنشستگان و فعالین کارگری، خواستار آزادی تمامی فعالین کارگری و صنفی‌دربند هستند.

#### ۶ خرداد

«محمود صالحی» و «عثمان اسماعیلی» به دلیل برگزاری مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر و انتشار تصاویر آن در فضای مجازی، به ترتیب به ۳ و ۶ ماه زندان محکوم شدند. در حکم آنان اعلام شد که محکومیت زندان «صالحی» قابل تبدیل به جزای نقدی ۲ میلیون تومانی و محکومیت زندان «اسماعیلی» قابل تبدیل به جزای نقدی ۴ میلیون تومانی است.

«ابوالفضل غسالی»، شهروند اهل تهران، دست به اعتصاب غذا زد. این اعتصاب غذا با درخواست اعزام به مرخصی در

شرایط شیوع «کرونا» در زندان، پذیرش آزادی مشروط به دلیل مشکلات معیشتی خانواده و اعاده دادرسی پرونده‌اش صورت گرفت.

## ۹ خرداد

تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالین کارگری با خانواده «اسماعیل گرامی»، بازنشسته زندانی، دیدار کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه زندانی کردن «اسماعیل گرامی»، فعال صنفی بازنشستگان را قویاً محکوم ساخت و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط ایشان شد.

«ویان محمدی»، دانشجوی اهل مریوان، که اردیبهشت‌ماه در تهران بازداشت شده بود، به نشانه اعتراض به تمدید قرار بازداشت در بازداشتگاه اطلاعات سپاه ارومیه، دست به اعتصاب غذا زد.

## ۱۰ خرداد

انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه در محکومیت رأی صادره علیه معلم بازنشسته «حسین حسن‌خانی» بیانیه‌ای منتشر ساخت. در این بیانیه چنین می‌خوانیم: «... تثبیت و تداوم این رویه غیرقانونی و سلیه‌ای در جرم‌انگاری عضویت در انجمن‌های صنفی معلمان، حضور در اجتماعات صنفی مسالمت‌آمیز و ارائه درخواست‌های قانونی انجمن صنفی معلمان، موجب تضییع حقوق قانونی و نادیده گرفتن خواسته‌های صنفی جمع‌کثیری از معلمین و فعالین صنفی شده و موجب شکل‌گیری اعتراضات حق‌طلبانه بعدی فعالین صنفی خواهد شد. لذا انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه همراه با تشکل‌های صنفی معلمین سراسر کشور، خواهان تجدیدنظر در این حکم و لغو حکم صادره علیه آقای حسن‌خانی است.»

## ۱۱ خرداد

«حسین هاشمی»، زندانی سیاسی زندان تهران بزرگ و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸، به بهانه بازجویی به تیپ ۴ این زندان منتقل شد. وی هم اکنون بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در کنار زندانیان متهم به جرائم خشن به‌سرمی‌برد و در اعتراض به این انتقال دست به اعتصاب غذا زد. ایشان در نامه سرگشاده‌ای آوردند: «... مردم ایران! من بی‌گناهم! و تنها ۷۲ ساعت مانده که مرگ را در آغوش بگیرم. این آخرین صدای من است که در زندان با شما سخن می‌گویم. به یاد قهرمان غایب فرزند کمانگر، که گفت یادتان نرود به شعر به آواز به لیلایان پست نکنید!».

## ۱۲ خرداد

«کیومرث سلوکی»، دبیر آموزش و پرورش منطقه ۴ مشهد، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران بازداشت و زندانی کردن معلمان را به اتهامات واهی محکوم نموده و خواهان آزادی بی‌قید و شرط آنان شد.

تست کرونا «ناهد فتحعلیان»، معلم بازنشسته محبوس در بند زنان زندان اوین، مثبت اعلام شد. این موضوع علاوه بر سلامت این معلم بازنشسته، سلامت زندانیان دیگر این بند را که با ایشان در ارتباط بوده‌اند، نیز تهدید می‌کند.

## ۱۴ خرداد

«حیدر قربانی»، کارگر ساختمانی و عضو اتحادیه آزاد

کارگران ایران، به اتهامات واهی به ۱۱ سال زندان محکوم شده است. «اتحادیه آزاد کارگران ایران» صدور حکم زندان علیه «حیدر قربانی» را و نیز اعمال فشار از طریق انسداد حساب بانکی او برای اجرای این حکم ظالمانه، قویاً محکوم کرد و خواهان لغو این حکم و پایان دادن به تعقیب قضایی علیه وی و دیگر کارگران زندانی شد.

تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و حامیان حقوق کارگران با «محمد ایران‌نژاد» دیدار کردند. ایشان در ۱۲ خرداد پس از ۱۰۰ روز بازداشت با وثیقه یک میلیارد تومانی موقتاً آزاد شد. سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت و پرونده‌سازی برای کارگران و حامیان حقوق کارگر را محکوم می‌کند و خواهان مختومه شدن پرونده او و آزادی بی‌قید و شرط ایشان شد.

سندیکاهای فرانسه با انتشار بیانیه‌ای اعمال ضد کارگری در ایران را محکوم ساختند. در این بیانیه آمده است: «... ما سندیکاهای - خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری «محمود صالحی» و «عثمان اسماعیلی» و هم چنین لغو همه محکومیت‌های آنها هستیم؛ - اعمال سرکوبگرانه و اذیت و آزارها علیه «خانم فرزانه زیلابی»، وکیل مدافع کارگران و کارکنان نیشکر هفت تپه، را محکوم می‌کنیم و خواهان لغو فوری ممنوعیت شغلی وی هستیم؛ - خواهان لغو همه محکومیت‌های غیرعادلانه و خلاف آزادی‌ها و حقوق بنیادی هستیم. همچنین خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری همه سندیکالیست‌ها و فعالین مدافع حقوق کارگران زندانی شده به خاطر فعالیت‌های سندیکایی‌شان هستیم؛ - از رژیم ایران می‌خواهیم که به پیمان‌های بین‌المللی، که دولت ایران امضا کرده، از جمله حق ایجاد تشکل‌های مستقل، حق برگزاری تجمعات، حق اعتصاب، و حق قراردادهای جمعی، احترام بگذارد.»

## ۱۵ خرداد

۹ تن از کارگران پیمانکاری شهرداری منطقه ۳ اهواز از ۶ روز پیش و پس از آنکه نسبت به عدم دریافت مزایای شغلی مصوب اداره کار، دست از کار کشیدن بودند، توسط کلانتری ۳۰ اهواز بازداشت شدند که تا روز پانزدهم خرداد هفت تن از آنان آزاد شدند ولی همچنان ۲ تن از کارگران «آقایان داوودی و منصور» از واحد رفت و روب در بازداشت به‌سرمی‌برند.

## ۱۸ خرداد

«پریسا رفیعی»، فعال صنفی دانشجویی دانشگاه تهران، پس از گذراندن یکسال حبس بدون ملاقات حضوری و مرخصی، با پایان یافتن دوران محکومیت از زندان اوین آزاد شد. «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» آزادی ایشان را به خانواده‌اش و دانشجویان شورای صنفی شاد باش گفت. سندیکای کارگران شرکت واحد محرومیت از تحصیل، اخراج، بازداشت، زندان و هرگونه تعقیب و مراقبت پلیسی امنیتی علیه دانشجویان را محکوم ساخت.

## ۱۹ خرداد

«محمود صالحی» و «عثمان اسماعیلی» در میان استقبال خانواده‌ها و فعالان کارگری از زندان سقز آزاد شدند.

«اسماعیل گرامی»، از پیشروان اعتراضات سراسری بازنشستگان، به ۵ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق و دو میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد. سندیکای کارگران شرکت واحد حکم ظالمانه و ناعادلانه «اسماعیل گرامی» کارگر بازنشسته ۶۷ ساله را قویا محکوم ساخت و خواستار آزادی بی قید و شرط این فعال بازنشسته زندانی شد.

## ۲۱ خرداد

جمعی از فعالان صنفی و اعضای کانون صنفی معلمان ایران با خانواده «اسماعیل گرامی» دیدار کردند.

## ۲۲ خرداد

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) پیرامون احضار و تهدید فعالان صنفی بازنشستگان و تداوم بازداشت غیرقانونی «اسماعیل گرامی» بیانیه منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «افزایش مشکلات معیشتی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و ناکارآمدی دستگاه‌های دولتی به همراه تداوم فساد ساختاری و سیستماتیک، در طی یک دهه اخیر، قشرهای مختلف اجتماعی در ایران را با شرایط سختی روبرو ساخته است. [...] با توجه به شرایط پیش آمده، کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، ضمن دفاع از مطالبات برحق بازنشستگان و محکوم نمودن تداوم تهدید و احضار فعالان صنفی بازنشستگان، بویژه تداوم بازداشت غیرقانونی «اسماعیل گرامی»، به مسئولان دولتی و نهادهای امنیتی هشدار می‌دهد که تداوم برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی به جای پاسخ به مطالبات، در نهایت به گسترش اعتراضاتی منجر خواهد شد که وقایع آبان ۹۸ در مقابل آن ناچیز است...».

«مسعود حمیدنیا»، معلم اخراجی، در منزل شخصی خود توسط مأمورین وزارت اطلاعات در شهر شوش بازداشت شد. لازم به یادآوری است که ایشان طی دو سال اخیر به علت فعالیت‌های فرهنگی مدنی برای سومین بار است که توسط وزارت اطلاعات بازداشت می‌شوند.

## ۲۳ خرداد

دومین جلسه محاکمه «مهران رئوف»، «ناهید تقوی»، «سمیه کارگر»، «بهاره سی سلیمانی» و «نازنین محمدنژاد» برگزار شد.

## ۲۴ خرداد

«پیام شکبیا»، زندانی سیاسی سابق، توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

## ۲۵ خرداد

«حسین رمضان‌پور» از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی، برای چندمین بار به اتهام واهی و تکراری تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی به دادگاه احضار شد.

## ۳۰ خرداد

انجمن قلم (پن) سیدنی در استرالیا بیانیه‌ای صادر کرد که در آن از

«رئیس» خواسته است همه اعضای زندانی کانون نویسندگان ایران را بی‌درنگ آزاد کند. در این بیانیه به متن مشترک «رضا خندان (مهابادی)»، «بکتاش آبتین» و «کیوان باژن» استناد شده است که دو هفته پیش از درون زندان خطاب به تمام نویسندگان و آزادی‌خواهان منتشر کردند. نویسندگان نامبرده در بیانیه خود آورده بودند: «خطاب ما به همه‌ی نویسندگان و آزادی‌خواهانی است که «آزادی بیان در همه جا و برای همه کس» را سرلوحه کوشش‌های انسانی خود قرار داده‌اند. این خواسته‌ای است که جنبش تاریخی-جهانی آزادی بیان عملاً و همواره در پی آن بوده و هست. کانون نویسندگان ایران، که ما ۳ تن از اعضای آن هستیم، به عنوان جزئی از این جنبش در بیش از نیم قرن فعال بوده است؛ جنبشی که باید بر توان و بلندی صدای آن افزود؛ زیرا گذشته از تهدید هر روزه‌ی آزادی بیان از سوی قدرت‌های حاکم، مردم بسیاری در جهان از آن کاملاً محروم هستند؛ از جمله نویسندگان و مردم ایران. ما اکنون در زندان به سر می‌بریم و بنا به حکم صادره، باید مجموعاً ۱۳ سال و نیم حبس را تحمل کنیم به این سبب که نویسندگانی مخالف سانسور و خواهان آزادی بیان بی هیچ حصر و استثنا بوده‌ایم. ما اولین زندانیان و ستم‌رفتگان این جنبش نبوده و تا «آزادی بیان در همه جا و برای همه کس» محقق نشود، آخرین آنها نیز نخواهیم بود».

## ۳۱ خرداد

«کیومرث سلوکی»، معلم و فعال صنفی فرهنگیان خراسان رضوی، که چندی پیش توسط نیروهای اطلاعات بازداشت شده بود، با قید وثیقه آزاد شد.

## نفت، پتروشیمی و نیروگاه ها

### ۱ خرداد

بیش از ۲۰۰ کارگر پروژه‌ای شرکت «آی جی سی» فاز ۱۴ به دلیل تقلب کارفرما و پایین‌زدن حقوق، دست به اعتصاب زدند. با توجه به اینکه طراحان کمپین افزایش حقوق در مرداد سال ۹۹، امسال به همه کارگران اعلام کرده بودند که افزایش حقوق امسال می‌بایست بر طبق لیست حقوق اعلامی با ۴۰ درصد افزایش برای امسال لحاظ گردد، متأسفانه کارفرمایان با دروغ‌گویی‌های خود کارگران را به کارواداشته و بعد از یکماه حقوق ناچیز را اعلام کرده‌اند که باعث اعتصاب کارگران شده. کارگران در خوابگاه‌های خود خواهند ماند و اجازه استخدام نیرو را نیز به کارفرما نخواهند داد تا خانواده‌های کارگری بیش‌تری را گول زده و بیچاره کنند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک خوزستان و گروه پایپینگ و آکیپ پروژه‌ای‌ها حمایت خود را از خواسته‌های این کارگران و کارکنان اعلام داشتند.

### ۴ خرداد

کارکنان رسمی هلدینگ نفتی خلیج فارس در برابر سایت ۱، در حاشیه جاده ورودی به منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع در اعتراض به اجرایی نشدن طرح افزایش دستمزد ۲۵ درصدی کارکنان، برای چندمین بار صورت می‌گیرد. آنها خواهان پایبندی هلدینگ به مفاد قرارداد بسته شده با شرکت صنایع پتروشیمی هستند. همچنین رفع ممنوعیت انتقال دائم به سایر شرکت‌های تابع نفت و



تبدیل وضعیت کارکنان مدت موقت مانند سایر وزارت خانه‌ها هستند.

### ۱۰ خرداد

تجمع اعتراضی کارکنان رسمی نفت در هلدینگ خلیج فارس، در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی‌های ماهشهر برگزار شد. با واگذاری شرکت‌های دولتی پتروشیمی به شرکت خصوصی هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس بدعهدی‌ها و قانون شکنی‌های صورت گرفت که اعتراض کارکنان زحمتکش این شرکت‌ها را باعث شده است. کارکنان درخواست اجرای قوانین نفت، مصوبات ذریبط و قرارداد منعقد بین صنایع پتروشیمی وزارت نفت با هلدینگ خلیج فارس و رفع ممنوعیت انتقال دائم به سایر شرکت‌های تابعه نفت را دارند.

نیروهای قرارداد موقت منطقه ویژه پتروشیمی ماهشهر و بندر امام به همراه خانواده‌هایشان در ورودی سایت یک منطقه پتروشیمی ماهشهر تجمع کردند. تجمع کنندگان خواهان اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای طرح اقلیمی و اجرای طرح پرداخت سنوات پایان سال بر اساس قانون کار هستند.

شماری از کارکنان خدمات اردوگاهی ملی حفاری ایران واقع در اهواز در محل کار خود دست به تجمع زدند و خواستار لغو و برچیده شدن قراردادهای حجمی کار و پیوستن به سامانه ساپنا شدند.

### ۲۴ خرداد

کارگران شرکت عمران مارون سد مسجد سلیمان بابت حقوق معوقه مهرماه و آبانماه سال گذشته در اعتصاب به سر می‌برند.

کارگران شرکت جیان سمت صفارود پنجمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشته و در خوابگاه‌های خود منتظر اقدام کارفرما هستند.

### ۲۶ خرداد

سومین روز اعتصاب، اعتراض و تظاهرات خیابانی کارگران شرکت تهران جنوب بندر ماهشهر نسبت به اخراج‌های جمعی در شرایط گرمای تابستانی خوزستان پشت سر گذاشته شد.

### ۲۹ خرداد

کارگران پروژه‌ای شرکت فراب نیروگاه بیدخون با مطالبه افزایش دستمزدها و خواست ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی دست به اعتصاب زدند و اعلام کردند: تا زمانی که به خواسته‌های خود نرسند به نیروگاه باز نخواهند گشت.

### ۳۰ خرداد

با شروع تخلیه نیروها از محل کار شرکت ریتون، نیروگاه بیدخون، جوشکاران مخازن کروی شرکت پتروشیمی بوشهر و شرکت ماشین‌سازی اراک، با مطالبه افزایش دستمزدها و خواست ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی تا کنون ۱۰۰۰ کارگر راهی خانه شده‌اند.

کارگران پیمانی نفت در پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها اقدام به انتشار بیانیه‌ای کردند که در آن آمده است: «ما کارگران پیمانی نفت در پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها در اعتراض به سطح

اجرای ماده ۱۰ قانون اختیارات، از دیگر خواسته‌های کارکنان می‌باشد. کارکنان معترض به دیگر خواسته‌های خود از جمله رفع تبعیض و محدودیت تعدیل مدرک تحصیلی، اعمال آیت ۱۴۵۰ حق مأموریت کارکنان رسمی نفت در هلدینگ اشاره کردند. در بیانیه کارکنان رسمی هلدینگ نفتی خلیج فارس آمده است: «این تجمع اعتراضی جهت احقاق حق کارمندان رسمی مأمور صورت گرفته است. کارکنان پایبندی مدیریت هلدینگ خلیج فارس به تعهدات مابین آن شرکت و شرکت ملی صنایع پتروشیمی را خواستارند.»

### ۵ خرداد

بنابر فراخوان از پیش اعلام شده، کارکنان رسمی نفت در اهواز، آبادان، گچساران، عسلویه، بهرگان و سکوی دریایی ابوذر واقع در استان بوشهر، در اعتراض به نحوه افزایش حقوق‌های سال ۱۴۰۰، در محل کار خود دست به تجمعات اعتراضی زدند. نمایندگان این کارگران در تهران مقابل مجلس برای چندمین بار دست به اعتراض زدند و در اهواز کارگران راهپیمایی کرده و شعارهایی در مورد وضعیت معیشتی خود سر دادند.

در هفته اول خرداد صدها تن از کارکنان شرکت نفت در تهران و مناطق جنوبی کشور تجمع اعتراضی داشتند. کارکنان رسمی شرکت نفت در اعتراض به نحوه افزایش حقوق در اهواز تجمع کردند. در تهران نیز شمار زیادی از کارگران و کارکنان این شرکت در مقابل مجلس تجمع کردند. این کارگران و کارکنان خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. همزمان کارکنان مجتمع گاز و پیمانکاری پارس عسلویه و منطقه عملیاتی لاوان تجمع اعتراضی برگزار کردند. اعتراضات مشابهی نیز در گچساران، ماهشهر، بهرگان و ابوذر برگزار شد. علت اصلی اعتراضات، مصوبه مجلس برای سقف افزایش حقوقی ۲.۵ میلیون تومانی برای کارکنان دولت است. این سقف برای کارکنان وزارت نفت، که عمدتاً شرایط سخت کاری دارند، بسیار کم و نامطلوب است. این کارکنان عمدتاً در شرایط بد آب و هوایی و مناطق آلوده به مواد شیمیایی کار می‌کنند. همه آنها در این صنعت، متخصص و تجربه بالایی دارند. افزایش حداکثر ۲.۵ میلیونی به حقوق آنها انگیزه کار در این صنعت حیاتی را به خطر می‌اندازد.

### ۸ خرداد

پرسنل مدت معین هلدینگ خلیج فارس، در اعتراض به شرایط شغلی تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها در دروازه سایت یک منطقه ویژه ماهشهر تجمع کردند و خواهان اجرای ماده ۱۰، پرداخت فوق‌العاده مخصوص مدت معین و اعمال ضریب تجمعی جنوب شدند. کارکنان خواستار پایبندی این شرکت به قراردادش با شرکت صنایع پتروشیمی می‌باشند. آنها خواهان پرداخت پاداش بهره‌وری و شایستگی و دیگر مزایای مصوب هستند. علاوه بر این خواستار فراهم شدن زمینه انتقال کارمندان رسمی نفت به شرکت‌های تابعه وزارت نفت بودند. این تجمع همزمان با تجمع اعتراضی کارکنان مدت موقت وزارت نفت که در برابر مجلس برگزار شد، صورت گرفت. آنها نیز خواستار اجرای همسان‌سازی حقوق، اعمال فوق‌العاده شغلی و

منتشر شد. در این بیانیه آمده است: «...خواست کارگران هفت تپه، خواست دیگر کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران است. خواست ما مشترک است، درد ما مشترک است و برای این درد مشترک یک رزم مشترک کارگری را نیاز داریم. ما ستاد انتخاباتی هیچ شخصی نبوده و نیستیم و این حق ماست و از این حق خود دفاع می‌کنیم».

### ۱۷ خرداد

جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شهرستان شوش دست به تجمع زدند. در جریان تجمع، تعدادی از کارگران با حضور در دفتر فرمانداری با مسئولان شهر درباره مشکلات کارگران نیشکر هفت تپه از جمله پرداخت فوری حقوق کارگران و همچنین حق آبه جهت آبیاری مزارع تشنه نیشکر گفتگو کردند.

### ۲۶ خرداد

تجمع و اعتصاب اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه برای چندمین بار جهت مشخص شدن وضعیت شرکت نیشکر هفت بعد از اعلام خلع ید از «اسدیگی» و حق آبه جهت آبیاری مزارع تشنه نیشکر برگزار شد.

### فرهنگیان

#### ۲ خرداد

جمعی از معلمان پیش دبستانی از شهرهای مختلف کشور مقابل مجلس در اعتراض به حقوق‌های نازل، تجمع اعتراضی برپا کردند و خواهان استخدام رسمی در آموزش و پرورش شدند.

جمعی از نیروهای خدمتگزار و سرایداران مدارس قزوین تجمع اعتراضی برگزار کردند. نیروهای خدماتی آموزش و پرورش کم‌ترین دریافتی را در میان سایر کارکنان رسمی دولت دارند و دریافتی آنان با احتساب افزایش حقوق‌های امسال به ۳ و نیم میلیون تومان در سال جاری می‌رسد.

جمعی از معلمان آزاد شاغل در مدارس غیرانتفاعی کشور با تجمع مقابل مجلس، خواستار رسیدگی به مطالبات شغلی و افزایش حقوق خود شدند.

#### ۸ خرداد

برای چندمین بار، معلمان دارنده کارنامه سبز روبروی وزارت آموزش و پرورش دست به تجمع زدند. معلمان شرکت‌کننده در تجمع امروز، خواستار رسیدگی به خواسته‌ها و مطالبات محقق نشده خود شدند. در این تجمع، بسیاری از معلمان زن و مرد از استان‌ها و شهرهای مختلف ایران، از جمله از شهرهای اردبیل، البرز، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کرمانشاه، گلستان، گیلان، لرستان، استان مرکزی، همدان و... به تهران آمده بودند.

مربیان پیش دبستانی شهر ایذه خوزستان در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌ها و ابهام در وضعیت شغلی‌شان در ساختمان

نازل حقوق‌ها و کاهش هر روزه قدرت خرید خود و عدم اجرای وعده‌های داده شده همانطور که اعلام کرده بودیم، اعتصابات گسترده و سراسری خود را از سر می‌گیریم و با تجمع در مقابل مراکز کاری‌مان پیگیر مطالبات خود می‌شویم...» و پس از طرح خواسته‌های خود در بیانیه آورده‌اند: «... ما کارگران نفت از امنیتی بودن محیط‌های کارمان به ستوه آمده‌ایم و باید به این وضعیت خاتمه داده شود. تشکل و تجمع و اعتراض حق مسلم ماست. در خاتمه حمایت قاطع خود را از همکاران رسمی‌مان در نفت، که اعلام کرده‌اند چنانچه به خواسته‌هایشان جواب داده نشود در نهم تیر دست به اعتراض خواهند زد و فراخوان‌شان به تجمع در ۱۱ روز است، اعلام می‌کنیم».

### ۳۱ خرداد

کارگران فاز ۱۴ شرکت اکسیر صنعت، شرکت ساتراپ صنعت، شرکت سینا پالایش قشم، شرکت ساخت مخازن نفت قشم، پتروشیمی بوشهر و سایت ۱ شرکت استیم نیز به تخلیه نیرو از محل کار اقدام کردند و به کمپین «بیست - ده» پیوستند. تاکنون ۳۰۰۰ کارگر راهی خانه شده‌اند.

روز جمعه و شنبه کارکنان رسمی عملیاتی نفت در شرکت پایانه‌های نفتی منطقه خارک دست به اعتصاب زده و از تحویل و پهلوی‌گیری کشتی‌هایی که قصد بارگیری نفت خام داشتند، خودداری کردند. اعتصاب اختطاری این کارکنان در اعتراض به عدم اصلاح افزایشات عمومی حقوق و عدم بارگذاری استیت در حقوق خردادماه صورت گرفت. کارکنان شرکت نفت فلات قاره منطقه خارک نیز با تجمع مقابل ساختمان مرکزی شرکت و با در دست داشتن کاغذ نوشته‌های از اعتصاب همکاران خود در شرکت پایانه‌ها حمایت کردند. کارگران پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها، نیروگاه‌ها و سکوها نفتی یکی پس از دیگری و در همبستگی با هم دست از کار می‌کشند تا به خواسته‌های خود برسند.

### هفت تپه

#### ۱۱ خرداد

کارگران شاغل در مزارع کشاورزی نیشکر هفت تپه، در محوطه کارخانه، روبروی دفتر مدیریت دست به تجمع زدند. کارگران در اعتراض به وضعیت حق آبه و به‌خطراتادن امنیت شغلی و عدم پرداخت دستمزد خود دست از کار کشیدند.

#### ۱۲ خرداد

کارگران کشاورزی برای دومین روز در محوطه کارخانه روبروی دفتر مدیریت شرکت نسبت به نداشتن امنیت شغلی، ندادن حق آبه جهت آبیاری نیشکر و همچنین پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و هم چنین مطالبه بازگشت به کار همکاران اخراجی خود، دست به تجمع زدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از خواست کارگران خواهان رسیدگی و پیگیری مسئولین نسبت به مطالبات کارگران شد.

#### ۱۳ خرداد

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه طی بیانیه‌ای موضع خود را در قبال انتخابات ۱۴۰۰ اعلام کرد. این بیانیه تحت عنوان «انتخابات ریاست جمهوری و صندوق رأی ربطی به ما ندارد»

بازنشستگان صنعت فولاد در شهر اصفهان در برابر صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد، در اعتراض به روش اجرای همسان سازی و وضعیت معیشت خود دست به تجمع زدند.

### ۳ خرداد

بازنشستگان بهداشت و درمان روبروی سازمان برنامه و بودجه تجمع اعتراضی برگزار کردند. در این تجمع اعتراضی، زنان بازنشسته شرکت فعالی داشتند و حضور آنها چشمگیر بود. تجمع اعتراضی بازنشستگان به دلیل اجرای ناقص همسان سازی شغلی و عدم پرداخت فوق العاده ویژه شغلی به آنان و همچنین حق جذب، حق اشعه و سختی شرایط محیط کار می باشد.

تجمع بازنشستگان ایران ایر، روبروی ساختمان هواپیمایی در اعتراض به بی پاسخ ماندن خواسته هایشان از سوی مقامات و مدیران این شرکت، در تهران برگزار گردید.

### ۴ خرداد

بازنشستگان کارخانه پارس متال در اعتراض به عملی نشدن وعده های کارفرما در برابر روزنامه قانون دست به تجمع زدند. آنها خواهان رسیدگی به وضعیت خود هستند. حدود ۱۲۰ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه پارس متال موفق به دریافت چک های بانکی خود نشده اند.

### ۹ خرداد

در پی فراخوان قبلی، بازنشستگان فولاد در شهرهای تهران، اصفهان، اهواز و قائم شهر (البرز غربی) دست به تجمع اعتراضی زدند. در تهران بازنشستگان فولاد، روبروی صندوق بازنشستگی فولاد کشور تجمع کردند. در این تجمع، روی یکی از بنرها نوشته شده بود: «با وجود این تورم و گرانی به چه حقی یک و نیم میلیون تومان از افزایش حقوق بازنشسته فولاد کم کرده اند». در اهواز بازنشستگان فولاد با تجمع روبروی استانداری خوزستان، خواهان پرداخت حق مناطق جنگی خود شدند. بازنشستگان فولاد اصفهان در تجمع اعتراضی خود با برخورد نیروهای انتظامی روبرو شدند. بخشی از خواسته های اصلی بازنشستگان فولاد شامل «اصلاح جدول همسان سازی حقوق بازنشستگان صندوق فولاد و برقراری خدمات رفاهی مطابق تعهدات آیین نامه استخدامی فولاد» است.

### ۳۱ خرداد

بازنشستگان صدا و سیما، در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پرداخت مطالبات قانونی، در چند شهر به شکل همزمان، در مقابل دفاتر این رسانه تجمع کردند. این بازنشستگان همچنین در نامه ای به رئیس این سازمان اعلام کردند که مجلس مصوبه ای برای افزایش صد درصدی حقوق بازنشستگان و کارکنان صدا و سیما تصویب کرده بود. بر اساس این نامه در زمان ریاست «عزت الله ضرغامی» حقوق بازنشستگان و کارکنان صدا و سیما ۷۰ درصد افزایش یافته و افزایش ۳۰ درصد آن هنوز اجرا نشده است.

### شهرداری

### ۴ خرداد

آموزش و پرورش این شهر تجمع و روند فعالیت این اداره را متوقف کردند!

### ۹ خرداد

شماری از معلمان مدارس غیرانتفاعی روبروی مجلس دست به تجمع زدند. معلمان از استان های مختلف از جمله خراسان رضوی، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان، یزد و... در این تجمع شرکت کردند و خواهان استخدام رسمی و رسیدگی به مشکلات کاری و معیشتی خود شدند. همچنین شماری از معلمان مدارس غیرانتفاعی اصفهان، که بیش تر آنها را معلمان زن تشکیل می دادند روبروی اداره آموزش و پرورش اصفهان تجمع کردند. شایان ذکر است که دست کم ۲۶۰ هزار معلم مدارس دولتی و مدارس خصوصی (غیرانتفاعی)، مشغول به آموزش در مدارس هستند. معلمان مدارس غیرانتفاعی، با قراردادهای موقت، حقوق های کمتر از حداقل دستمزد و گاه حدود ۵۰۰ هزار تومان در ماه در حال آموزش هستند.

اساتید دانشگاه آزاد استان خوزستان در مقابل واحد اهواز در اعتراض به وضعیت وخیم حقوق ها دست به تجمع اعتراضی زدند.

### ۱۰ خرداد

شماری از معلمان خرید خدمت در مقابل ساختمان مجلس واقع در تهران تجمع کردند. این معلمان خواستار تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود از سوی نمایندگان مجلس شدند.

### ۱۷ خرداد

معلمان غیرانتفاعی ایلام در جلوی در استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

مربیان پیش دبستانی «ایذه» در برابر استانداری خوزستان در اعتراض به دریافتی اندک، بی بهره بودن از بیمه دولتی و وضعیت ناپایدار شغلی دست به تجمع زدند.

### ۱۸ خرداد

شماری از معلمان غیرانتفاعی از شهرهای کرمان، رفسنجان و تهران، روبروی مجلس تجمع کردند و خواهان استخدام و اجرای قانون استخدامی سال ۱۳۵۸ شدند.

### ۲۴ خرداد

گروهی از معلمان خرید خدمت از سراسر کشور، با گردهمایی در تهران و برگزاری تجمع اعتراضی، خواستار تبدیل وضعیت خود شدند.

### بازنشستگان

### ۲ خرداد

بار دیگر بازنشستگان مخابرات راه دور شیراز در اعتراض به ۱۵ سال بلا تکلیفی در برابر استانداری فارس تجمع کرده و خواستار پاسخگویی مسئولان استان نسبت به وضعیت موجود شدند.

بزرگراه غدیر شهر مشهد دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب صدها کامیون و ماشین آلات، خودروهای فاضلاب درون شهری، خودروهای خدماتی و کامیون‌های حمل سیمان در داخل شهر مشهد، شرکت داشتند. بعضی از خواسته‌های کامیون‌داران عبارتند از: ۱- تعیین کرایه بر اساس تن بر کیلومتر به تفکیک بار در تمام کشور. ۲- ارزان شدن کامیون. ۳- کاهش قیمت قطعات یدکی و لاستیک. ۴- افزایش حقوق رانندگان کامیون بر اساس محیط کار و حق مأموریت، بدی آب و هوا و مناطق مرزی ناامن.

## ۲ خرداد

حدود ۲۰۰ نفر از کارکنان شرکت بهره‌برداری متروی تهران مقابل مجلس تجمع کردند. کارکنان مترو خواهان اصلاح عناوین شغلی خود تا سال ۹۳ به جهت بهره‌مندی از بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور، اعمال فوق‌العاده حق جذب، تامین لباس فرم، پرداخت معوقات مربوط به سال‌های ۹۵ تا ۹۹، دریافت طلب‌های خود از بیمه تکمیلی و قرار دادن راهبران در اولویت واکسیناسیون کرونا شدند.

## ۳ خرداد

کارگران بخش حراست و نگهداری پیمانی خط ۵ قطار شهری تهران - کرج در اعتراض به ۴ ماه حقوق عقب افتاده خود دست از کار کشیده و تجمع کردند. کارگران خط ۵ قطار شهری تهران می‌گویند: «کارفرمای شرکت پیمانکاری تراورس نسبت به پرداخت مطالبات ما بی‌توجه است. حدود ۲۰۰ کارگر هستیم که به دلیل پرداخت نشدن حقوق مان با مشکلات معیشتی روبرو شده‌ایم». اما شرکت تهدید به اخراج کارگران و عدم بستن قرارداد نموده است.

رانندگان ناوگان دیزلی مشهد در اعتراض به محدودیت ساعت تردد کامیون‌ها و جریمه شدن، در چهارمین روز متوالی به اعتصاب خود ادامه دادند. آنها با پارک کردن کامیون‌های خود در بلوار نخریسی، در برابر شهرداری مشهد تجمع کردند.

## ۴ خرداد

کشاورزان اصفهان با خواست حقا به و رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع و راهپیمایی زدند که نیروهای انتظامی به این معترضان هجوم بردند و مانع از ادامه این تجمع شدند که با مقاومت و درگیری کشاورزان روبرو شدند.

## ۸ خرداد

شماری از کشاورزان روستاهای مختلف شهرستان اهواز، در اعتراض به عدم تامین حقا به شلتوک کاری و همچنین ممنوعیت کشت تابستانه، در مقابل ساختمان استانداری خوزستان، تجمع اعتراضی برپا کردند.

کارکنان بیمارستان خمینی کرج در محوطه بیمارستان دست به تجمع اعتراضی زدند. آنها بارها در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب‌افتاده و همچنین بلا تکلیفی در وضعیت مالکیت بیمارستان دست به تجمع زده‌اند. همزمان با تجمع اعتراضی کارکنان بیمارستان خمینی کرج، خبر ابطال واگذاری این بیمارستان منتشر شد. رئیس دادگستری استان البرز از صدور

کارگران آب و فاضلاب روستایی خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و ۳ سال حق بیمه خود، در مقابل ساختمان شرکت آب و فاضلاب این استان تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران معترض، که در برابر شرکت آب و فاضلاب تجمع کرده بودند، در یک اقدام اعتراضی سفره خالی پهن کردند. این کارگران، که تعدادشان بیش از ۶۰۰ نفر است، می‌گویند: «پس از طرح یکپارچه‌سازی با آبفای شهری، هیچ‌گونه قراردادی با ما بسته نشده است».

## ۶ خرداد

کارگران آب و فاضلاب روستایی اهواز در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق عقب‌افتاده و حق بیمه بار دیگر روبروی استانداری خوزستان دست به تجمع زدند و خواهان رسیدگی به مشکلاتشان شدند.

## ۱۱ خرداد

رانندگان اتوبوس شهری شیراز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی، پایین بودن نرخ کرایه‌ها، عدم حمایت شهرداری و عدم وجود بیمه برای رانندگان اعتصاب کردند. رانندگان اعتصابی با پارک اتوبوس‌های خود در ترمینال اتوبوسرانی شیراز، حاضر به رفتن بر سر کار نشدند.

## ۱۲ خرداد

جمعی از پرسنل سازمان آب و فاضلاب اهواز در تجمعی خواهان استخدام و تبدیل وضعیت استخدامی خودشان به استخدام رسمی بدون تبعیض و آزمون شدند.

## ۱۷ خرداد

جمعی از کارگران شهرداری کوت عبدالله مقابل دادگاه کارون دست به تجمع زدند و خواستار آزادی همکاران بازداشتی و مطالبات معوقه خود شدند. کارگران شهرداری کوت عبدالله می‌گویند: بازداشتی‌ها نمایندگان ما بوده‌اند و ما خواستار آزادی آن‌ها هستیم.

## ۱۸ خرداد

کارکنان آبفای شهرستان ایذه، در پی عدم پرداخت حقوق یکساله خود و عدم پاسخگویی مسئولان سازمان بار دیگر دست به تجمع اعتراضی زدند.

## کارگران دیگر

### ۱ خرداد

بار دیگر کارگران شرکت لبنیاتی پاژن واقع در نسیم شهر، نسبت به پرداخت نشدن ۶ ماه مطالبات مزدی‌شان در برابر فرمانداری بهارستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها ابتدا در محوطه شرکت دست از کار کشیده و تجمع کردند. سپس تجمع اعتراضی خود را به بیرون از شرکت و در برابر فرمانداری بهارستان منتقل کرده تا صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان برسانند.

کامیون‌داران با پارک کردن کامیون‌های خود در حاشیه

شماری از خانواده‌های کارگران معدن فسفات بافق، نسبت به پرداخت نشدن حقوق کارگران، دست به تجمع زدند. همسران و خانواده کارگران، در حاشیه یک مراسم دولتی «جشن بصیرت» در شهرک آهن شهر، تجمع نمودند.

کشاورزان شالیکار اهوازی مقابل ساختمان استانداری اهواز، نسبت به منع کشت تابستانه و محرومیت از آب کشاورزی و برای پیگیری خواسته‌هایشان تجمع اعتراضی برپا کردند.

### ۳۰ خرداد

جمعی از کارکنان «راهبری مترو» برای چندمین بار در برابر شرکت بهره برداری مترو در چهارراه «حافظ»، در اعتراض به دریافتی کم، نداشتن امنیت شغلی، پرداخت نشدن حق جذب، سختی کار و دیگر بستانکاری‌های خود دست به اعتصاب و تجمع زدند.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با تجمعات، تظاهرات، اعتصابات و دیگر اشکال مبارزه نشان داده‌اند که از اهداف انقلاب بهمین علیه امپریالیسم و ارتجاع عقب نخواهند نشست و تا بدست آوردن مطالبات برحق خود و زندگی شایسته و انسانی به نبرد ادامه خواهند داد. ولی آنچه باعث شده است که تا به حال در مبارزه خود به نتیجه نرسیم، پراکندگی و عدم وجود تشکلات صنفی و سیاسی واحد و سراسری است. مبارزه طبقه کارگر و متحدان زحمتکش آن برای پیروزی در مبارزه «کار، نان، آزادی» به «وحدت، آگاهی و تشکل» نیاز دارند.

حکم قطعی به ابطال واگذاری بیمارستان خمینی کرج در جمع خبرنگاران خبر داد.

### ۱۰ خرداد

تجمعات اعتراضی کارکنان بیمارستان امام خمینی کرج بابت حقوق و مزایای معوق‌شان با شعار: «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه» از محوطه بیمارستان به خیابان رسید. پرسنل بیمارستان امام خمینی برای چندمین بار دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان رسیدگی به مشکلات معیشتی‌شان شدند.

شماری از دامداران مسجدسلیمان مقابل درب پتروشیمی مسجدسلیمان دست به تجمع زدند. رها کردن پساب صنعتی مجموعه پتروشیمی مسجد سلیمان در طبیعت، آلودگی‌های گسترده زیست‌محیطی به همراه داشته و به تازگی بیش از ۷۰ راس دام به دلیل خوردن آب آلوده به پساب شرکت پتروشیمی تلف شده‌اند.

### ۱۲ خرداد

تعدادی از رانندگان خط یک بی آر تی در ساعت ۱۳ و سی دقیقه در زمان تحویل اتوبوس‌ها در پایانه اتوبوسرانی دپو شرق مقابل دفتر مدیریت در اعتراض به عدم نظارت در بلوک‌بندی، کسر اضافه کار و نبود سرپناه برای رانندگان در زمان تغییر و تحول در پایانه آزادی دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پاسخ‌گویی مدیریت سامانه یک شدند.

### ۱۹ خرداد

کارگران شرکت لوله‌سازی خوزستان، بار دیگر در برابر استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. کارگران با هدف پیگیری وضعیت نابسامان خود و شفاف‌سازی شرایط شرکت برای چندمین بار و چندمین روز متوالی تجمع کردند.

جمعی از کارکنان پایگاه‌های سلامت در مقابل وزارت بهداشت در تهران بابت حقوق‌های زیر ۳ میلیون تومان و مشکلات معیشتی، تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان رسیدگی به مشکلات معیشتی خود شدند.

### ۲۳ خرداد

رانندگان و کارگران شرکت واحد در مقابل شورای شهر در اعتراض به عدم اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل از سوی مدیرعامل تجمع کردند.

### ۲۴ خرداد

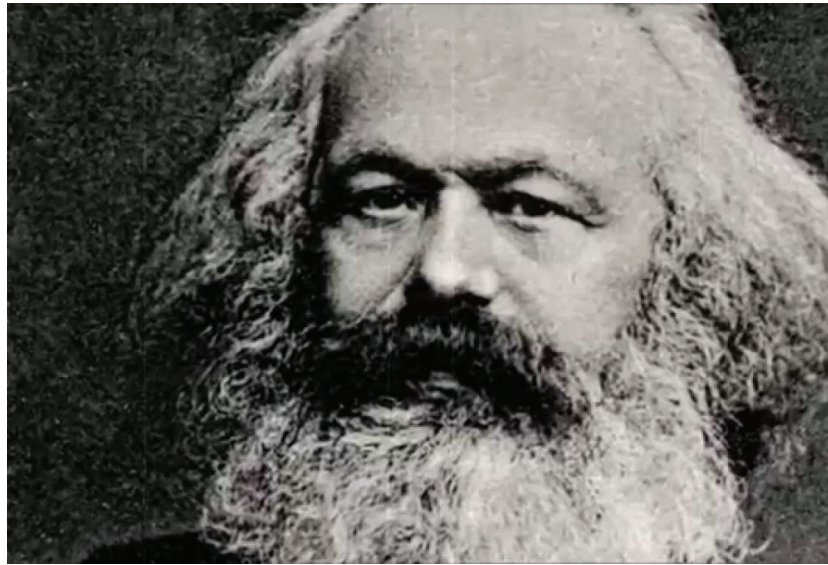
کارکنان سیمان سپاهان دیزبچه اصفهان، اعتصاب خود را نسبت به عدم پرداخت کارانه بهره‌وری، بر خلاف وعده و وعیدهای پوچ، ادامه دادند. پاسخ مسئولین تا کنون تهدید کارگران و بازجویی تعدادی از کارگران توسط اطلاعات مبارکه بوده است. زهی بی‌شرمی!

کارگران اخراجی لوله‌سازی خوزستان برای چندمین بار در اعتراض به اخراج از کار مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

## چاره رفجران وحدت و تشکلات است

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

\*\*\*

### مزد، بها، سود (۲ و پایانی)

از آنجا که طبقه کارگر درآمد خویش را برای خرید نخستین نیازمندی‌های خود صرف می‌کند، در نتیجه بهای آنها، در اثر افزایش تقاضا در بازار افزایش می‌یابد. لذا برای سرمایه‌دارانی که این اشیاء را عرضه می‌کنند، افزایش دستمزدی که با آن موافقت کرده انداز طریق افزایش بهای کالا در بازار جبران می‌شود. ولی وضع سایر سرمایه‌دارانی، که تولیدکننده نخستین اشیاء نیستند و تعدادشان هم کم نیست، چه می‌شود؟ دو سوم تولیدات ملی به وسیله یک پنجم جمعیت مصرف می‌شود که بخش عمده آن را وسائل تجملی تشکیل می‌دهند. البته تفاوت در نرخ سود، از آنجا که نرخ بهای متوسط سود در رشته‌های مختلف تولید تفاوت دارند، باعث می‌شود که سرمایه و کار از رشته‌هایی که کم‌سودترند به رشته‌های پر سودتر روی آورند. این امر خود باعث بروز بحران اقتصادی می‌شود زیرا اضافه تولید و پُرشدن بازار و انبارهای تولیدکننده، باعث توقف تولید و در برخی موارد تعطیل کارخانه‌ها گشته و به بیکاری دامن می‌زند. برای آنکه ماهیت عمومی سود را توضیح دهیم، باید از این اصل شروع کنیم که کالاها به طور متوسط بر حسب ارزش‌های واقعی خویش به

فروش می‌رسند. سود فروش کالا برحسب ارزش آنها، یعنی از فروش آنها به نسبت مقدار کار نهفته در آن بدست می‌آید. بهای هر کالا در بازار برابر است با بخشی از ارزش اضافی، به اضافه ارزش سرمایه متغیر (مزد)، به اضافه بخشی از ارزش سرمایه ثابت (ساختمان، ماشین‌آلات و مواد اولیه...) و در نتیجه بهای هر کالا تشکیل شده است از هزینه‌ای که سرمایه‌دار متحمل می‌شود به اضافه سودی که عایدش می‌شود. در این میان سرمایه ثابت و متغیر را سرمایه‌دار می‌پردازد، ولی ارزش اضافی را، که در اثر نیروی مولده (کارگر) تولید می‌شود، در واقع سرمایه‌دار تصاحب می‌کند. البته قیمت کالا می‌تواند در اثر عرضه و تقاضا و رقابت سرمایه‌داران در یک شاخه تولید با یکدیگر نوساناتی داشته باشد، زیرا هر سرمایه‌دار در رشته معینی از تولید، که در رقابت با دیگر تولیدکنندگان در همان رشته قرار دارد، سعی می‌کند که با به کارگیری فن آوری جدید برای صرفه‌جویی در روند تولید، هزینه تولید را کاهش داده و در نتیجه بر سود خود بیافزاید. آنچه که در این رابطه نقش بازی می‌کند، این است که وسایل تولید و در نتیجه مکانیزم تولید تا چه حد تکامل یافته باشد و از مقدار «کار اجتماعاً لازم» کارگر بکاهد و بر نرخ سود سرمایه‌دار بیافزاید. ناگفته پیداست که هر اندازه وسایل تولید پیشرفته‌تر باشند، بر درجه استثمار کارگران و در نتیجه بر سودی که نصیب سرمایه‌دار می‌شود، افزوده خواهد گشت. در چنین حالتی به نسبت افزایش نرخ سود (ارزش اضافه منهای مزد) عملاً نرخ مزد کاهش می‌یابد؛ به دیگر سخن درجه استثمار کارگران افزایش می‌یابد.

هر چه بازدهی کار و نرخ سود در یک جامعه افزایش یابد، ارزش اضافی نیز بالا خواهد رفت و بر میزان سود سرمایه و در نتیجه انباشت آن می‌افزاید. می‌بینیم که بهای کالاها نیز بر اساس نرخ سود و قیمت تمام شده تعیین می‌شوند. می‌دانیم که کار یک کالا است و مانند هر کالای دیگری به نسبت عرضه و تقاضا بهای آن در جامعه معین می‌شود. یکی از شگردهای رذیلانه سرمایه‌داری افزایش ذخیره ارتش بیکاران است. هر چقدر بر تعداد بیکاران افزوده گردد، به همان نسبت نیروی کار ارزان‌تر می‌شود (عرضه و تقاضا) و برعکس هر چقدر از تعداد آنها کاسته شود، دستمزد نیروی کار نیز افزایش می‌یابد.

طی ۴ دهه گذشته نئولیبرالیسم دو هدف را دنبال می‌کند، از یکسو می‌کوشد با افزایش ساعات کار از تعداد شاغلین بکاهد و از این طریق بر سود خود بیافزاید و از سوی دیگر با افزایش ارتش بیکاران از نرخ مزد نیز در جامعه بکاهد و باز هم راه را برای انباشت سرمایه هموارتر سازد؛ امری که پیوسته باعث عمیق‌تر شدن دره فقر و ثروت در جوامع می‌گردد. و این آن تضادی است که میان مالکیت خصوصی بر وسایل تولید از یک سو و کارگران، زحمتکشان و کارمندان از سوی دیگر پیوسته شدت و حدت می‌یابد. تنها با تبدیل مالکیت خصوصی بر وسایل تولید به مالکیت اجتماعی است که تضاد کار و سرمایه به نفع طبقه کارگر و سایر زحمتکشان جامعه حل خواهد گشت. امری که به دیده ما تنها با انجام یک انقلاب سوسیالیستی به رهبری طبقه کارگر قابل حصول است. •

تأیید تحریم‌های ضدانسانی و بمباران وحشیانه عراق پرداختند. تحریم علیه عراق طبق گفته خود آمریکایی‌ها جان حداقل پانصد هزار کودک را گرفت. این خبرنگاران خود را به دشمنان مردم عراق فروختند و به میهن خود خیانت کردند. استدلال این خبرنگاران این بود: «که ما خبرنگار آزاد و مستقل هستیم و دشمن اصلی ما «صدام حسین» است، هر کس دشمن «صدام حسین» است، دوست مردم عراق است. آنها که به ما حمله می‌کنند همدست صدام حسین هستند!»

آیا شباهتی بین مواضع این خبرنگاران و مواضع خانم مسیح نژاد می‌بینید؟

خانم «مسیح علی نژاد» در گفتگو با برنامه «شصت دقیقه» تلویزیون بی بی سی در رابطه با ماهیت استخدامی و نقش ایشان در وزارت امور خارجه آمریکا چنین گفت:

«من روزنامه‌نگار مستقل آزادم و در استخدام دولت آمریکا نیستم [...] تا وقتی ظلم هست، اعتراض هم هست. قدم بعدی همراه کردن جامعه جهانی است». وی دروغ می‌گوید که آزاد و مستقل است؛ مستقل از چه کسی؟ از کدام دولت؟

فقط با مبارزه برای سرنگونی رژیم و با توسل به هر وسیله‌ای نمی‌توان به مسائل پیچیده سیاسی اجتماعی پاسخ داد و مژده‌های و حقوق بشر و کرامت انسانی بود. اینرا همه کس دانسته است که هزینه‌های کلان برنامه‌های تلویزیونی «تبلت» و سایر برنامه‌های تبلیغی را وزارت امور خارجه آمریکا تأمین می‌کند، پس او نمی‌تواند مستقل باشد.

آمریکا این کمک‌ها را، این حقوق‌ها را، این تبلیغات را نه به خاطر چشم و ابروی مردم ایران و انسان‌دوستی بلکه در جهت تحقق سیاست‌های منطقه‌ای، ژئوپولیتیک و مداخلات سیاسی نظامی انجام می‌دهد. خبرنگار مدعی استقلال، که این قدرت سرکش و متجاوز را نقد نکند و مورد سؤال قرار ندهد و به بلندگوی تبلیغاتی وزارت امور خارجه آمریکا، که با تحریم و مداخله نظامی آهنگ تغییر نظام سیاسی ایران را به سود انحصارات و سرمایه مالی آمریکا دارد، تبدیل شود، آنوقت چنین خبرنگاری نمی‌تواند آزاد باشد و مستقل عمل کند، بلکه خودفروخته و وطن‌فروش است.

دخالت در سرنوشت و امور داخلی یک ملت محکوم است. تحریم غیرقانونی علیه مردم ایران جرم و جنایت است، لذا باید محکوم گردد. «مسیح علی نژاد» تحریم را محکوم نمی‌کند. وی با این ادعا که یک خبرنگار «آزاد و مستقل» است و جمهوری اسلامی مقصر اصلی تشنج و جنگ در منطقه است و نه آمریکا، عملاً به توجیه این جنایت می‌پردازد. این خانم با چنین توجیهاتی نیرو و استعداد خود را به آمریکا، می‌فروشد و به آن نیز افتخار می‌کند. وی با این استدلال سخیف خودفروختگی سیاسی را «شغل آزاد» تعریف می‌کند و خود با بی‌شرمی مهر تأیید بر آن می‌زند! وی حتا از مجامع بین‌المللی خواست تا تیم‌های ورزشی ایران را تحریم کنند.

خانم «مسیح علی نژاد»، که مدعی استقلال فکری و شغلی است، در عین حال بی‌پروا با زبان و ادبیات وزیر جنگ و وزیر امور خارجه آمریکا، «مایک پمپئو» و رئیس جمهور آمریکا، «دونالد ترامپ» در مورد تشدید تحریم‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی علیه مردم ایران سخن می‌گوید. «مایک پمپئو» نیز همانند «مسیح علی نژاد» ریاکارانه می‌گوید که «هدف ما اعمال فشار بر رژیم جمهوری



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

### به یک پرسش

پرسش: شما با چه دلیل و برهانی خانم مسیح علی‌نژاد را وابسته و مورد حمله قرار می‌دهید. به نظر من خانم مسیح علی‌نژاد وابسته نیست، یک خبرنگار مستقل است و حق دارد با هر کسی که خواست گفتگو کند، در هر رسانه‌ای هم دلش خواست فعالیت کند. به کسی مربوط نیست که او چه میکند، او آزاد است که از هر تریبونی استفاده کند و به افشای آخوندها به پردازد. سؤال من این است شما که مخالف او هستید چرا چیزی در مورد هزینه ۱۰۰ میلیارد دلار کمک سالانه دولت به کشورهای عربی سوریه و فلسطین و یمن و لبنان ... هیچ نمی‌گویید؟ این تناقضات را چگونه توضیح می‌دهید تا کی می‌خواهید به امثال خانم مسیح نژاد که از مردم ایران شجاعانه حمایت میکند، توهین کنید! آیا با چنین برخوردهایی می‌توانید مردم درون ایران را بسوی خود جلب کنید؟

**پاسخ:** دوست محترم، متأسفانه اشتباه شما این است که نمی‌خواهید از سطح به ریشه و عمق رویدادها و مسائل سیاسی اجتماعی بروید، تا سره از ناسره را از هم تمیز دهید و موضعی اتخاذ کنید که شایسته یک میهن‌دوست آزادی‌خواه است. مختصراً به پرسش شما پاسخ می‌دهیم به این امید که برای ادامه بحث و شناخت ما از دوستان و دشمنان مردم ایران مفید و راه‌گشای مبارزه ما برای رهایی مردم ایران از ظلم و ستم باشد.

۱- خانم «مسیح علی نژاد» یک خبرنگار مستقل نیست، زیرا وظیفه یک خبرنگار مستقل نقد و به چالش گرفتن «قدرت و دولت» است، نه تأیید قدرت و دولت و موضع جانبدارانه و یکطرفه جهت توجیه یک سیاست خاص و قدرت سیاسی.

ما امروز در جهان پُر تلاطم کنونی خبرنگارانی داریم که در دستگاه قدرت‌های صاحب نفوذ خدمت و در جهت منافع آنها بر ضد حقوق ملل و حقوق بشر عمل می‌کنند، نان می‌خورند و کاسی می‌کنند. حتماً خاطر‌تان هست که بسیاری از خبرنگاران عراقی به خاطر نفرت از رژیم «صدام حسین» به خدمت دولت متجاوز آمریکا تحت رهبری «جرج بوش (پسر)» درآمدند و به

۳- پرسیده‌اید که رژیم ایران سالیانه صدها میلیارد پول ملت را خرج عرب‌های فلسطینی، لبنانی، یمنی و سوری می‌کند، چرا چیزی در این مورد نمی‌گوئید!

در این مورد بسیار گفته و نوشته‌ایم و چیزی برای پنهان کردن نداریم. نوشته‌های حزب ما شفاف هستند، دو پهلو و کاسبکارانه برای فریب مردم نیستند. هر کسی به تارنماهای رسمی و وبلاگ‌های حزب کار ایران (توفان) رجوع کند، درمی‌یابد که حزب ما دشمن سرسخت نظام سرمایه‌داری و خون‌ریز جمهوری اسلامی است، اما در عین حال شدیداً مخالف مداخله خارجی و هرگونه تغییر و تحول سیاسی را یک امر داخلی و وظیفه مردم ایران می‌داند. حزب ما عمیقاً میهن‌دوست و انترناسیونالیست است؛ از نژادپرستی و سیاست‌های ناسیونال - شوینیستی، ضدعرب و عظمت‌طلبانه آریایی و قومی متنفرد و نه تنها بر علیه تجاوز و تحریم مردم ایران است، بلکه با افتخار و غرور بر علیه تحریم و تجاوز به سایر ملل نیز می‌باشد. ما علیه زندان، شکنجه و نقض حقوق بشر در ایران هستیم؛ به عنوان یک حزب کمونیست و انترناسیونالیست علیه زندان و شکنجه در فلسطین و سایر کشورها نیز می‌باشیم و دفاع از حقوق بشر را تجزیه‌ناپذیر می‌بینیم و نه گزینشی و مصلحت‌جویانه! شما از هزینه کردن صدها میلیارد دلار در سوریه و سایر کشورها نوشته‌اید و حتماً بدبختی مردم ایران را نیز به گردن سوریه، لبنان و فلسطین می‌اندازید و موافق شعار نژادپرستانه و اسرائیلی «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران!» هستید!

دوست عزیز!

به نظرمی‌رسد که شما شبانه روز در مقابل تلویزیون‌های برون مرزی «ایران اینترنشنال» و «صدای آمریکا» و «بی بی سی» و «من و تو» و کانال‌های لوس آنجلسی نشسته‌اید و یکجانبه به قاضی می‌روید. این آمار صد میلیارد دلاری از کجاست؟ چرا بدون مطالعه و منطق و سند اظهار نظر می‌کنید!

هزینه نظامی سالانه ایران طبق انجمن صلح سوئد، که یک انجمن معتبر جهانی است، مؤرخ دسامبر ۲۰۱۸ میلادی ۱۶ میلیارد دلار است که حدوداً ۲ الی ۳ درصد از آن برای دفاع از خود در خارج هزینه می‌شود!

مصیبت و بدبختی مردم ایران، ناشی از حضور ایران در سوریه و یا حمایت از نیروهای لبنانی و یا فلسطینی و یمنی نیست! فقر و اختلاف طبقاتی از سیاست سرمایه دارانه داخلی منشاء می‌گیرد. در خلال یکسال اخیر میلیاردها دلار در داخل ناپدید شده است، اختلاس و دزدی بی‌داد می‌کند. اوضاع وخیم مردم مربوط به سیاست اقتصادی سرمایه‌دارانه نئولیبرالی داخلی و ویرانگر رژیم است، که از «بانک جهانی» و «صندوق بین‌المللی پول» الهام می‌گیرد و ربطی به فلسطین، لبنان و سوریه ندارد. تبلیغات ضدسوریه و ضد فلسطینی و ضد لبنانی از طرف رسانه‌های امپریالیستی و صهیونیستی به منظور جانانداختن خط آمریکا، اسرائیل و عربستان در منطقه است و امروز هر کسی کوچک‌ترین حمایتی از مردم یمن، سوریه و لبنان بکند، به همدستی جمهوری اسلامی متهم می‌شود! از قضا «کشتار مردم یمن توسط متجاوزین سعودی هم نباید محکوم گردد، زیرا جمهوری اسلامی پشت آن قرار دارد و بیچاره ملت ایران، که پولش در یمن هزینه می‌شود!»

این دروغ‌ها را باور نکنید! دلیل دفاع جمهوری اسلامی از لبنان،

اسلامی است و نه مردم ایران! این سخن همان سخن «جرج بوش (پسر)» است که می‌گفت: «هدف از تحریم و حمله نظامی به عراق، رژیم صدام حسین است و نه مردم عراق!!» تحریم آمریکا، تحریم «هدفمندی» است، فقط به رژیم و سپاه ضربه می‌زند و نه به مردم ایران! «مسیح علی‌نژاد» از تیم «جو بایدن» می‌خواهد که به تشدید تحریم‌ها ادامه دهد و نگران لغو تحریم‌های اقتصادی ایران است. دوست محترم!

خبرنگاری آزاد و مستقل است که شجاعانه و شفاف بگوید که مخالف مداخله خارجی در ایران است؛ مخالف تحریم ضدانسانی اقتصادی است؛ مخالف تروریسم دولتی امپریالیستی آمریکاست و هرگونه تغییر و تحول سیاسی و یا براندازی نظام سیاسی حاکم در ایران وظیفه مردم ایران است و نه اجانب. چنین اتخاذ موضع سیاسی شهادت می‌خواهد، جسارت سیاسی و عرق میهن‌دوستی وجدان پاک و آگاه می‌طلبد. خودفروخته‌گانی نظیر «مسیح علی‌نژاد»ها و «علیرضا نوری‌زاده»ها و ده‌ها خبرنگار مشابه در رسانه‌های «ایران اینترنشنال» و «من و تو» و «صدای آمریکا» که شهوت شهرت‌طلبی و مقام و پول‌پرستی بر جسم و روح‌شان چیره گشته است، فاقد چنین سرشتی‌اند.

۲- می‌گوئید خانم «مسیح علی‌نژاد» به عنوان یک خبرنگار حق دارد با هر کسی مصاحبه کند و مصاحبه با «فرح پهلوی» هم اشکالی ندارد.

دوست عزیز! ایشان حق دارد با هر کسی مصاحبه کند، اما آیا هدف از مصاحبه نقد و به چالش گرفتن است یا آرایش قدرت و توجیه دیکتاتوری و سرسپردگی؟

«مسیح علی‌نژاد» با درآغوش گرفتن «فرح پهلوی» به تطهیر حکومت مستبد و وابسته به اجنبی پهلوی پرداخته و رسماً خط فکری و پیوستن به جبهه «رضا پهلوی» را اعلام داشته است. قرار نیست در مبارزه با مار غاشیبه به عقب رجوع پناه ببریم! حتماً خوانده‌اید که خبرنگار معروف ایتالیایی، خانم «اوربانا فالاجی» چگونه در مصاحبه تاریخی‌اش «محمد رضا شاه» را به چالش گرفت. وی مظهر یک خبرنگار مستقل بود. منتظر الزیدی خبرنگار شجاع و میهن‌دوست عراقی با پرتاب لنگه کفش به سوی «جورج بوش (پسر)» در بغداد اعتراض و فریاد خود را علیه متجاوزین به گوش جهانیان رسانید. چنین خبرنگاری مظهر شجاعت و استقلال است و نه امثال «مسیح علی‌نژاد»ها و «باطبی»ها و «مجید محمدی»ها که از خدمت و نوکری برای بیگانگان مفت‌خرند و بر خود می‌بالند.

نمی‌توان بدون اطلاع تاریخی از گذشته ایران، بدون درک و شناخت از علل بروز انقلاب و سرنگونی رژیم شاه به جنگ رژیم جمهوری اسلامی رفت و برای آینده ایران و جانشینی حکومت نظر داد. خانم «مسیح علی‌نژاد» اگر ریگی در کفش نمی‌داشت، می‌توانست از کودتای خائنه ۲۸ مرداد، سرکوب خونین جنبش ملی و دمکراتیک مردم، غارت، دزدی و فساد دربار پهلوی هم سخن بگوید و مدعیان «آزادی حجاب و دمکراسی و سکولاریسم» را نیز به چالش بگیرد. پس می‌بینید موضوع فقط دیدار با «فرح پهلوی» و یا «رضا پهلوی» نیست، بلکه ایجاد سمپاتی در افکار عمومی برای یک حکومت سرسپرده به امپریالیسم است. همین امر سبب گردید تا بقایای فراری و دزد پهلوی از این مصاحبه استقبال نمایند و به تبلیغ آن بپردازند.



# باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

## پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: با سلام و عرض ادب به دوستان محترم توفان به نظرم دفاع از زندانیان سیاسی، که وابستگی به گروه‌های بهایی و یهودی و امپریالیستی دارند، امثال نسرین ستوده‌ها و روح الله زرها و یا افراد معلوم‌الحالی نظیر نوری‌زادها... نادرست است و در شأن شخصیت حزب شما به عنوان یک حزب کمونیستی نیست که مقالاتی در دفاع از این سازشکاران فرصت‌طلب، که مورد حمایت امپریالیسم و صهیونیسم هستند، انتشار دهد. لطفاً محبت فرمائید به پرسشم پاسخ دهید و در سیاست‌تان تجدیدنظر نمایید. با احترام فرزانه

**پاسخ:** اجازه بدهید مشخص و روشن صحبت کنیم. اول اینکه باید همه اعمال و بیان نظرات سازمان‌ها و افراد و شخصیت‌ها را در کادر سیاسی و منافع طبقاتی ارزیابی کنیم و نه بر اساس دین و مذهب؛ فرقی نمی‌کند کدام مذهب، زیرا همه مذاهب صرف‌نظر از قدمت و کثرت آنها چیزی جز بیان جهل و خرافات نیستند. جهان کنونی جهان سرمایه‌داری امپریالیستی و بر اساس سلطه سرمایه مالی می‌چرخد و نه بر اساس دین یهود یا بهائی و مسیحیت.

دوم اینکه در برخورد به اپوزیسیون ارتجاعی، حتا عوامل امپریالیسم، عناصر رژیم‌های شاه و شیخ و فرمیست‌ها و جریان‌های بورژوازی رنگارنگ، که در زندان گرفتاراند، حقوق‌شان را باید به رسمیت بشناسیم، در غیر اینصورت به خودسری‌ها و پایمال کردن حقوق اولیه همه شهروندان، بویژه رادیکال‌ترین نیروهای ترقی‌خواه اجتماعی توسط جمهوری اسلامی میدان خواهیم داد. روشن است این امر به معنای تأیید اندیشه و عملکرد سیاسی زندانیان سیاسی نیست. برای آشنایی با مواضع سیاست حزب ما در اینگونه موارد به اطلاع‌تان می‌رسانیم که حزب ما یکی از نخستین جریان‌های سیاسی در عرصه ایران بود که برغم مخالفت عمیق با مشی

سوریه، یمن و فلسطین یک دلیل روشن سیاسی است و آن هم به خاطر نقش بازدارنده آن در مقابل تجاوز احتمالی خارجی است. آمریکا سال‌هاست ایران را مورد تحریم شدید قرار داده و بارها اعلام داشته است که قصد تغییر رژیم را دارد. در چنین شرایطی که ایران فاقد قدرت نظامی درمقابله با حمله احتمالی خارجی است، نیروهای ائتلافی و بازدارنده‌ای را سامان داده است تا از آنها به عنوان سپر دفاعی در مقابل دشمن خارجی بهره گیرد. حتماً می‌دانید دور تا دور ایران حداقل بیست پایگاه قوی نظامی قرار دارد و ایران تحت محاصره آمریکاست. ایران زیر «برجام» را امضا گذاشت و گام‌های جدی در جهت سازش و آشتی با آمریکا برداشت، اما آمریکا به یکباره زیر همه قول و قرارها را زد و به طور غیرقانونی ایران را تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی قرار داد، به این امید که مردم از گرسنگی به‌پاخیزند، رژیم را سرنگون و حکومت مطلوب آمریکا بر مسند قدرت نشیند! این سیاست تحت رهبری تیم «جو بایدن» همچنان ادامه دارد و چشم‌اندازی برای لغو تحریم‌ها وجود ندارد. پس می‌بینید آنکس که با چنین سیاستی موافق است، دشمن ملت ایران است؛ نوکر استعمارگران است. نمی‌توانیم بخاطر نفرت از رژیم اسلامی به تأیید مداخلات خارجی به‌پردازیم و از اجنبی‌پرستی فضیلتی بسازیم. دفاع ما از اصول و حق تعیین سرنوشت ملل به دست خویش است و مخالف شدید تحریم و مداخله نظامی در ایران هستیم. مردم ایران خودشان با اتکاء به نیروی خویش باید به تغییر رژیم سیاسی حاکم برای استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، برابری زن و مرد، آزادی بیان و احزاب و اجتماعات کمر همت بندند.

ما حقیقتاً نمی‌دانیم چرا شما از سرکوب و درهم‌شکستن ستون فقرات داعشیان آدم‌خوار توسط نیروهای سوریه، ایران، لبنان و روسیه در سوریه ناراحت هستید، و نسبت به ملت سوریه ابراز همدردی نمی‌کنید! متأسفانه پرسش شما فاقد هرگونه روح همبستگی بین‌المللی است. حتماً می‌دانید بخاطر مداخله ترکیه، عربستان، آمریکا و اروپا بیش از سیزده میلیون نفر از مردم سوریه کشورشان را ترک کرده و آواره شدند. آیا نمی‌دانید هدف غرب به سرکردگی آمریکا در منطقه از تجاوز نظامی به سوریه چه بوده است؟ آیا نمی‌دانید هدف غرب از تجاوز به لیبی و به قتل رساندن «قذافی» چه بوده و تبعات این فاجعه چیست؟ از شما صمیمانه می‌خواهیم با دقت بیش‌تری پرسش‌هایتان را طرح نمایید!

دوست عزیز!

در پایان توصیه می‌کنیم، به جای تماشای تلویزیون‌های لوس آنجلسی، «ایران اینترنشنال»، «بی بی سی»، «صدای آمریکا» و «من و تو» و غیره... خود مستقلاً دست به مطالعه و تحقیق بزنید و به عنوان یک ایرانی میهن‌دوست، مخالف رژیم استبدادی و مخالف مداخلات خارجی دست در دست مردم ایران برای استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی بکوشید و فرزند راستین ملت ایران باشید. باید بدانید هر دشمنی با رژیم و هر انتقادی از مسائل روز، نشانه ترقی‌خواهی نیست، همانطور که در مورد عراق، لیبی، افغانستان و سوریه .... نبوده است.

باز هم برایمان بنویسید و نظر دهید. موفق باشید. •

سیاسی ارتجاعی و ضد ملی در یک فرد یا گروه حاکم و غالب گذشته باشد. از اینرو باید این امر دیالکتیکی و پروسه تکوین رشد پدیده از کمیت به کیفیت را مورد توجه قرار داد.

در غیر این صورت به سادگی می‌توان عملکرد تبهارانه رژیم نسبت به انقلاب و مردم را به عنوان دلیلی بر «سلطه امپریالیسم و صهیونیسم» در ایران مورد تبیین قرار داد و همه حرکات و فعل و انفعالات سیاسی داخلی و منطقه‌ای و جهانی رژیم کلاً جنبش‌های سیاسی و احیای سرمایه‌داری در ممالک سابقا سوسیالیستی را ناشی از سیاست مرموزانه، شیطانی و توطئه بهائیت و یهودیت و صهیونیسم دانست و با یک چرخش قلم به همه پیچیدگی‌های مسائل سیاسی به سادگی پاسخ داد.

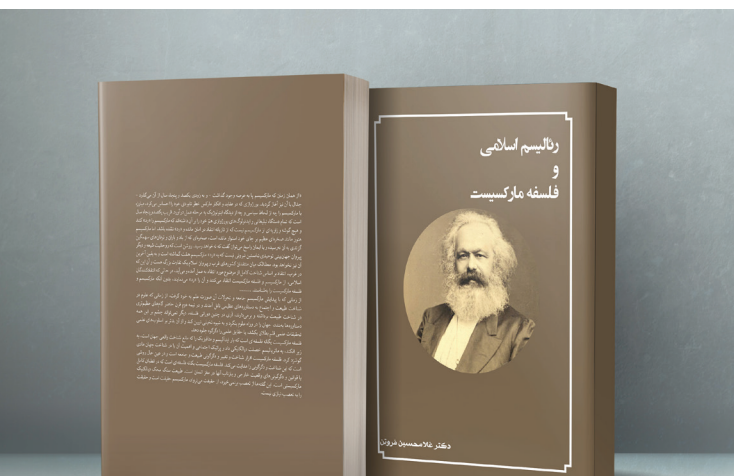
ما ضمن احترام به مواضع ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی و مخالفت صمیمانه و میهن‌دوستانه شما علیه تحریم اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران، دوستانه تقاضا داریم در اتخاذ موضع سیاسی در مورد افراد و جریان‌های سیاسی، که هنوز به «جاسوس و کارگزار موساد تبدیل نشده‌اند»، شتاب‌زده عمل نکنید، زیرا از رسیدن به هدف‌تان دور خواهید افتاد و این سیاست در جذب نیرو و تقویت جبهه انقلاب علیه ارتجاع و امپریالیسم قرین موفقیت نخواهد بود.

رویزیونیستی و مواضع فاجعه‌بار «حزب توده» در همدستی با رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب انقلابیون اما دستگیری و شکنجه آنها را در بی‌دادگاه جمهوری اسلامی محکوم کرد و از حقوق‌شان دفاع نمود.

سوم اینکه، درس‌آموزی از شرایط مشخص تاریخی انقلاب بهمین و اشتباهات بسیاری از جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی آن زمان و پرهیز از حقوق دمکراتیک بورژوازی در بعد از انقلاب بهمین و بی‌تفاوتی نسبت به حقوق مسئولین سیاسی، اقتصادی و نظامی رژیم سرنگون شده پهلوی و تأیید شکنجه و اعدام مخفیانه و با شتابی سوءظن برانگیز، بدون رعایت اصول برسمیت شناخته شده قضائی و انسانی کنوانسیون ژنو و حقوق بشر عملاً زمینه‌ساز برخورد و اعمال وحشیانه‌تری نسبت به نیروهای انقلابی، چپ، ملی و دمکرات گردید. باید از این اشتباهات درس بگیریم. ما نمی‌توانیم با شکنجه جسمی و روانی امثال «روح‌الله زم» و اینگونه افراد به خاطر همدستی آنها با محافل امپریالیستی و صهیونیستی موافق باشیم و پایمال کردن حقوق‌شان را به عنوان یک زندانی به رسمیت بشناسیم. چنین سیاستی انحرافی و نادرست است.

به جز یک حزب سیاسی (حزب کار ایران (توفان)) و یکی دو گروه تازه تأسیس شده و جبهه دمکراتیک ملی و تعدادی از شخصیت‌های مستقل سیاسی کسی به این روش جنایت‌کارانه در بیانیه‌های خود، اعتراض روشنی نکرد، زیرا می‌ترسیدند مهر بهائیت و یهودی و سلطنت و امپریالیسم بخورند. درست این می‌بود که این زندانیان در یک دادگاه صالحه، با حضور و کلاهی مدافع به صورت علنی و با حضور خبرنگاران و شرکت رسانه‌های عمومی محاکمه شوند و هر حکمی بر مبنای اصول و ضوابطی صادر گردد. احکام خودسرانه و بدون منطق و انتقام‌جویانه، سنتی را در عرصه قضائی به جای می‌گذارد که به وسیله آن راحت‌تر می‌شود در درجه اول کمونیست‌ها را سربرید. اگر جرم محاربه با خدا و مفسد فی الارض ارزش حقوقی داشته باشد و صدور احکام اعدام را مجاز بدارد، وای به روز کمونیست‌ها، که هم کتب‌شان ضاله است و هم از نظر فلسفی به تقدم ماده بر شعور ایمان دارند و هستی جهان را محصول دست خالقی به نام خدا نمی‌شناسند. کمونیست‌ها در واقع، قبل از محاکمه به جرم خویش، اعتراف کرده‌اند و همه آنها مستوجب اعدام هستند. همه آنها محارب با خدا و مفسد فی الارض‌اند. برای ما آن روز روشن بود که بیان جرم به این صورت، آنهایی را مورد نظر قرار نمی‌دهد که بر صندلی اتهام نشسته‌اند، بلکه ما را مورد نظر دارد که فعلاً در بیرون دادگاه ایستاده‌ایم و صندلی‌ها زیر پایمان است. آخوندها داشتند در این دادگاه چاقوهای خویش را برای بریدن سر کمونیست‌ها تیز می‌کردند.

چهارم اینکه، هر عملکرد و اتخاذ موضع سیاسی ارتجاعی می‌تواند به نفع امپریالیسم و صهیونیسم تمام شود، لیکن این عملکرد سیاسی یا این اقدام و یا آن اقدام انحرافی هنوز به درجه‌ای از تکامل نرسیده است که بتواند به عنوان یک پدیده



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتنی با ما تماس حاصل فرمائید



|                                   |   |   |   |   |   |                                    |
|-----------------------------------|---|---|---|---|---|------------------------------------|
| www.telegram.me/totoufan          |   |   |   | * |   | کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان) |
| facebook.com/hezbekar.toufan      |   |   |   |   | * | فیسبوک حزب کار ایران (توفان)       |
| twitter.com/toufanhezbkar         |   |   | * |   |   | تویتر حزب کار ایران (توفان)        |
| www.rahetoufan67.blogspot.de      | * |   |   |   |   | وبلاگ توفان قاسمی                  |
| www.kanonezi.blogspot.de          | * |   |   |   |   | وبلاگ ظفر سرخ                      |
| kargareagah.blogspot.de           | * |   |   |   |   | وبلاگ کارگر آگاه                   |
| www.toufan.org                    |   | * |   |   |   | تارنمای حزب کار ایران توفان        |
| www.toufan.de                     |   | * |   |   |   | تارنمای آزمایشی حزب                |
| <u>POSTBANK</u>                   |   |   |   |   |   |                                    |
| bank code 20110022                |   |   |   |   |   |                                    |
| bank account No.: 2573 3026 00    |   |   |   |   |   |                                    |
| IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00 |   |   |   |   |   |                                    |
| <u>P.O. BOX 1138</u>              |   |   |   |   |   |                                    |
| D64526 Mörfelden-Walldorf         |   |   |   |   |   |                                    |
| E-Mail: toufan@toufan.org         |   |   |   |   |   |                                    |
| Fax: 00496996580346               |   |   |   |   |   |                                    |